

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۱۹۸
شنبه ۹ فروردین ماه ۱۳۵۹ - شماره ۱۵۵ ریال

امام خمینی در پیام خویش بر ضرورت تامین امنیت و رعایت نظم و قانون تاکید کرد

بزرگترین عامل مخل اینست، هزارها مزدور چنانکار ساواک اند که از چنگک دادگاههای انقلاب گریخته اند.

مقامات مسئول در رعایت قانون و تامین نظم، علاقه چندانی از خود نشان نمی دهند.

ضرورت رعایت قانون و نظم و پشتیبانی دیگر از انقلاب تاکید کرده اند.

در مورد ضرورت تامین امنیت و سامان از ایجاد تشنج، ناآرامی بقیه در صفحه ۲

بخش مهمی از پیام نوروزی امام خمینی به ضرورت رعایت نظم و قانون و حفظ امنیت اختصاص دارد. امام در ماده اول پیام خویش، سال جاری ارسال بازگشت امنیت به ایران نامیده اند و در مواد دیگر پیام خویش نیز به

ما هشدار میدهم: حضور شاه مخلوع در قاهره و شاپور بختیار در بغداد از عمق توطئه علیه انقلاب ایران حکایت میکند

بدنبال انتقال شاه مخلوع به قاهره، خبر میرسد که شاپور بختیار خان نیز به بغداد آمده است. بدینسان نقشه شیطانی امپریالیسم امریکا برای تشدید فعالیت توطئه گرانه علیه انقلاب ایران، با ایجاد دو مرکز ضد انقلابی در همسایگی ایران و توسط دومهره اصلی خود، وارد مرحله جدید خطرناکی شده است.

این واقعیت، هشدار جدی است به مردم انقلابی ایران، به همه میهن دوستان، آزادبخواهان و ترقیبخواهان میهن ما، به همه کسانی که به سر نوشت انقلاب ایران علاقمندند.

این واقعیت هشدار جدی است به همه مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران که اداره کشور را برعهده دارند و موظفند برای دفاع از انقلاب و سرکوب ضدانقلاب تدابیر قاطع و فوری اتخاذ کنند. هم میهنان!

در برابر توطئه های ضدانقلابی امپریالیسم امریکا و عمال آن هشیار باشید و برای عقیم گذاشتن این توطئه ها، صرف نظر از تفاوت در عقاید سیاسی و مسلکی و مذهبی، متحد شوید و نقش مغرب نفاق افکنان و سازشکاران را، که برای ضد انقلاب زمینه سازی می کنند، افشاکنید و خنثی سازید.

خطر تجاوز نظامی آمریکا به ایران خطری است واقعی، که باید برای خنثی کردن آن اقدام کرد

تصريح اعلام داشته اند که تجاوز نظامی به ایران را، در کوار تحریم اقتصادی و فشارهای سیاسی، از جمله وسائل میداند که میتوان برای پر کردن خلأهای که با سقوط رژیم شاه مخلوع در ایران بوجود آمده، بکار برد. تمرکز و افزایش نیروهای نظامی آمریکا و نیرو-های مسلح کشورهای زیر سلطه آمریکا پیرامون ایران، آشکارا نشان میدهد که تجاوز نظامی آمریکا به کشور ما تدارک دیده میشود و بنابراین خطر آن واقعی است. در برابر این خطر واقعی، دولت جمهوری اسلامی ایران تاکنون در صحنه بین المللی چه کرده است؟ در واقع هیچ! چه میتواند است بکنند؟ بسیاری دولت جمهوری اسلامی ایران، با استناد به اظهارات رسمی مقامات آمریکایی و بارافه واقعیت تدارکات نظامی و افزایش قوای نظامی آمریکایی علیه ایران، می-توانست به دولت ایالات متحده آمریکا اعتراض رسمی تسلیم کند، مسئله را در سازمان ملل متحد مطرح سازد، به شورای امنیت سازمان ملل شکایت کند، تشکیل کنفرانس فوق العاده کشورهای غیرمتحد را درخواست نماید، به یک رشته اقدامات سیاسی و دیپلماتیک در سطح بین المللی متوسل شود. ولی دولت کشور ما هیچ اقدامی در جهت رفع خطر تجاوز نظامی آمریکا به ایران نکرده است، حتی در عرصه افتاد-گریهای تبلیغاتی. شاید مقامات مسئول دولت کشور ما تصور میکنند که حمله نظامی آمریکا به ایران برای خود آمریکا در منطقه نفت خیز خاور-میانه اقدامی جنون آمیز است و نباید در برابر آمریکا چنین دیوانگی نخواهد کرد. ولسی آیا میتوان دیوانگی رادریسیست امپریالیسم آمریکا امکان ناپذیر دانست؟ مگر دولت فاشیستی آلمان هیتلری به عنوان نیروی ضربه ای امپریالیسم جهانی، با افروختن آتش جنگ جهانی دوم دیوانگی نکرد؟ مگر سیاست دالسی حرکت در لب پرتگاه جنگ و ایجاد به اصطلاح جنگ سرد، که هم اکنون کوارتی جدها در صدد احیاء آن است، دیوانگی نبود؟ مگر تجاوز به کوبا، که جهان را میتوانست به آتش بکشند ویا مگر تجاوز به ویتنام، که میتوانست به جنگ جهانی گسترش یابد، دیوانگی نبود؟ دیوانگی امپریالیسم تجاوزکار و جهانخواز را هیچگاه نمیتوان و نباید از محاسبه خارج کرد. احتمال دیوانگی امپریالیسم همیشه وجود دارد و ما بوضوح شاهد عینی تدارکات اقدام به این دیوانگی در مجاورت بلا-فصل ایران هستیم. شاید مقامات مسئول دولت کشور ما تصور میکنند که با نادیده گرفتن خطر تجاوز نظامی آمریکا، این خطر کم میشود. این پندار، اگر باشد، البته خطا است. نادیده و با تمام قوا بکوشد.

شرکت کارگران در تدوین قانون جدید کار تامین نشده است چرا؟

وزیر کار و امور اجتماعی در یک گفتگوی اختصاصی، که در آغاز سال نو با خبرنگار کیهان داشته، مطالبی در مورد چگونگی تدوین قانون کار و آئین نامه شوراها بیان داشته است. در پاسخ این سوال بجای خبرنگار کیهان که چرا در تهیه و تدوین قانون جدید کار از نظرات کارگران استفاده نمیشود کارگران به این مسئله اعتراض دارند، وزیر کار میگوید: «فکر میکنم این کم لطفی این عده از کارگران باشد. چرا که آن دسته از کارگرانی که در جریان هستند، هرگز چنین صحبتی نمیکند. ما بارها در رادیو تلویزیون اعلام کردیم، شماره تلفن دادیم و استقبال هم شده است، پرسشنامه هایی تدوین کرده ایم که در کارخانجات پر میشود و از این طریق نظریات کارگران را جمع آوری میکنیم.» بدینوسیله است که شرکت کارگران در تدوین قانون کار استفاده از نظریات آنها در تنظیم قانونی که سر نوشت میلیونها کارگر صنعتی غیر صنعتی طی سالهای آینده بدان بستگی دارد، نه از طریق ارسال پرسشنامه تامین میشود و نه با اعلام شماره تلفن، زیرا تعداد ۵ میلیون کارگر صنعتی و غیر صنعتی چنان ددل کارخانه ها و کارگاههای کوچک سراسر کشور را کشته اند، که دست یافتن به نظریات آنان از طریق پرسشنامه از جمله محالات است. بیش از ۷۰ درصد کارگران هنوز سواد خواندن و نوشتن ندارند تا پرسشنامه وزارت کار را بخوانند و در برابر آن پاسخ بنویسند. وزارت کار با دهها هزار کارگاه کوچک پر از کشته، کشماره کارگران آن کمتر از ده نفر است و هرگز مشمول قوانین کار و بیمه های اجتماعی نبوده اند، تمامی ندارد تا بتواند پرسشنامه خود را به آنها برساند. آیا آقای وزیر کار میتوانند بگویند که مثلا چگونه از نظر کارگران باختمانی، که شماره آنها نزدیک به یک میلیون نفر است، و در سراسر کشور پراکنده اند، مطلع شده اند؛ چگونه به نظریات کارگران کشاورزی، که نسبت به کارگران کل کارگران، کمترین اهمیت و در روستاهای دور افتاده پراکنده اند، دست یافته اند؟ شرکت کارگران در تدوین قانون کار به این معنا نیست که وزارت کار چند کارگر را دستچین کند و در کمیسیون تدوین قانون بپوشاند. بقیه در صفحه ۲

فعالتهای توطئه گرانه عمال امپریالیسم آمریکا و رژیم بعثی عراق در کردستان گسترش می یابد

بانهور، واقع در منطقه ازگله و پایتختی استان کرمانشاهان فعالیت میکنند، در حدود ۴۰۰ نفراند و ماهیانه ۷۰ دینار عراق حقوق می-گیرند. این مبلغ متناسب با تعداد افراد خانواده (برای هر عضو خانواده ۱۰ دینار) افزایش می یابد. حامد و محمد ظهیر یگ بسا مصطفی اینخی (از همکاران نزدیک کورش لاشانی و عضو سازمان انقلابی-اخیرا رنجیب) و همچنین با احمد اینخی، حاج یوسف شیخ-سه اهل شیخ صالح، فتح امین یگ، جهانگیر یوسفی، صالح سید مراد، گوته و گروهی سرترجیع مکریان میشود. در تاسریخ ۱۲/۱۰/۵۸ در اردوگاه پناهندگان ایران در حلبچه، شیخ جلال حسینی ضمن یک سخنرانی برای حاضرین، از صدام حسین و رژیم بعثی عراق بعنوان پدر و ناجی خلق یاد کرد!

این شخص در مدارس و مشور-های عراق نیز ضمن تشریح و وارونه اوضاع ایران، بنفع رژیم بعثی عراق تبلیغ میکند. مرکز فعالیت این شخص در اطراف پناه، سردشت، مریوان و مکریان است.

۳- حامد محمد ظهیر یگ از عناصر یلید ساواک در نوسود و پناه هستند. افراد مذکور پس از سالها که در خارج ایران بسر میبردند، به کردستان ایران بازگشته اند و مشغول فعالیتهای تخریبی هستند. افراد وابسته به این دوشخص، که در

استخدام خود درمی آورند. آنها در تبلیغات خود به مردم میگویند پایبند طرفدار خمینی باشید یا طرفدار آنها، که در صورت اول آزار و شکنجه خواهند دید و در صورت دوم، باید خانواده خود را بر آق ببرند و اسلحه تحویل بگیرند.

اکثر این گروهها در میان مردم ناآگاه مناطق مذکور زیر نام دفتر شیخ عزالدین و گوته تبلیغ و فعالیت میکنند. یکی از گروههای ضدانقلابی وابسته به محمود نظری است. این شخص از عوامل سابق ساواک در منطقه بوده، که به استخدام عده ای مزدور زیر نام دلوار، در زمان شاه خانی به رژیم پهلوی خدمت میکرد و امروز همه امکانات خود را در خدمت رژیم بعثی عراق و نیرو-های خرابکار قرار داده است و با ایجاد پایگاه و مقر در چند منطقه و بخصوص در روستاهای پایب ویسی، قلعه واری و پازگیر، درسه کیلومتری سر پل نهاب، به توطئه چینی و دسیسه علیه خلق کرد و انقلاب ایران مشغول است. این سه پایگاه بوسیله سه نفر از نماینده های این شخص به اسامی خمدانگیر، رستم و جشید ویسی اداره میشود. لازم به تذکر است که جشید ویسی دارای کارت شناسایی از کمیته های پاسداران

کمک به اجرای تمام و کمال وقایع قانون اصلاحات ارضی وظیفه کمیته های دهقانان بی زمین و کم زمین است

در جریان محاکمه ۳ روحانی متهم گفته شد: آمریکا ۳ میلیارد دلار در آشوبهای تبریز خرج کرد

تبریز- خبرنگار کیهان - محاکمه سه تن از روحانیون تبریز به اتهام دخالت در آشوبهای این شهر از بهدانهزهر روز گذشته در دادگاه انقلاب اسلامی تبریز آغاز شد. گنجه در دادگاه انقلاب تبریز آغاز شد. محمد صابری فرزند محمدصادق کتاپوش و مهرداد عباس سیدی فرد فرزند علی اکبر نام دارند.

موارد اتهام طبق کتبخواست صادره از سوی دادیاد اداسرای انقلاب تبریز در مورد متهم در وقت اول شرح زیر است: ۱- اقدام بر علیه دولت جمهوری اسلامی ایران در رابطه با حمله حزب خلق مسلمان به رادیو تلویزیون تبریز و ایجاد آشوب و اغتشاش در شهر بطوریکه عدهای شهید و بسیاری به سختی مجروح گردیدند.

۲- رهبری جماعتداران و آشوبگران متجاوز به مردم تبریز و رادیو تلویزیون و استانداری بطور مستقیم و غیر مستقیم و تحریک مردم از رادیو تلویزیون همچنین توهین و افترا بستن به مراجع قانونی و شرعی توسط متهم.

۳- اخاذی و گرفتن رشوه به پرونده سازی بر علیه افسران زندانی نمودن غیر قانونی افراد، فضای و ناسزا گفتن به دستگیر شدگان در کمیته همچنین دستور ضرب و جرح وارد آوردن به دستگیر شدگان بخصوص پاسداران انقلاب دستگیر شده در خلق مسلمان.

موارد اتهام در مورد متهم در وقت دوم طبق کتبخواست صادره از سوی دادیاد اداسرای تبریز به این شرح اعلام شد: ۱- اقدام بر علیه دولت جمهوری اسلامی ایران در رابطه با حمله حزب خلق مسلمان به رادیو تلویزیون تبریز و ایجاد آشوب و اغتشاش در شهر بطوریکه عدهای شهید و بسیاری به سختی مجروح گردیدند.

۲- رهبری نمودن جماعتداران و آشوبگران متجاوز به مردم و رادیو تلویزیون و استانداری بطور مستقیم و غیر مستقیم و تحریک مردم همچنین توهین و افترا بستن به مراجع قانونی توسط متهم.

موارد اتهام میرزا عباس سیدی فرد فرزند علی اکبر طبق کتبخواست صادره از سوی دادیاد اداسرای انقلاب تبریز به این شرح است: ۱- اقدام علیه دولت جمهوری اسلامی ایران در رابطه با حمله حزب خلق مسلمان به رادیو تلویزیون تبریز و ایجاد آشوب و اغتشاش در شهر بطوریکه عدهای شهید و بسیاری به سختی مجروح گردیدند.

۲- رهبری نمودن جماعتداران و آشوبگران متجاوز به مردم و رادیو تلویزیون و استانداری به طور مستقیم و غیر مستقیم و ایراد سخنانی علیه کمره اکتند و تهییج نمودن مردم از رادیو تلویزیون همچنین توهین و افترا بستن به مراجع قانونی توسط متهم.

در آغاز جلسه پس از تلاوت آیاتی چند از کلام الله مجید رئیس دادگاه گفت: مسئله حزب خلق مسلمان و حوادث اخیر تبریز موضوع ساده ای نبود و آمریکا برای اوج گیری آن ۳ میلیارد دلار خرج کرده بود روزانه ۲۰۰ خبرنگار خارجی وارد این شهر می شدند و طبق بررسی های که صورت گرفته معلوم شده فیلم هایی که تهیه می شد به بختیار تحویل داده می شد و وی نیز از فیلم های مذکور در خارج از کشور بر علیه جمهوری اسلامی ایران و بدنام کردن آن استفاده می کرد عاملین این حادثه سیمان بر این بود که تبریز را نیز به یک کردستان دیگری تبدیل کنند غافل از اینکه مقومیت جنرفیالی تبریز به غیر از کردستان است.

رئیس دادگاه پس از شرح جزئیات حادثه نتیجه گرفته که موضوع تبریز قیام نبود بلکه توطئه ای بر علیه جمهوری اسلامی بود و افزود: امروز ما نفر روحانی را محاکمه نمی کنیم بلکه تمام عوامل حادثه را محاکمه می کنیم (کیهان، ۲۸ اسفند)

در مطبوعات کشور

در استان لرستان

نماینده تام الاختیار وزیر آموزش و پرورش ساواکی از آب در آمد

خرم آباد- خبرنگار کیهان- نماینده تام الاختیار وزیر آموزش و پرورش در استان لرستان بر اساس مدارک موجود در سازمان انرژی اتمی «خبرچین» ساواکی است. اصغر لطفی که چند ماهی است به استان لرستان آمده است و خود را نماینده تام الاختیار وزیر آموزش و پرورش در لرستان معرفی می کند. طی نامه شماره ۳۷۲۵ مورخ ۵۸/۱۱/۲۴ شورای پاکسازی انرژی اتمی ایران (کمیسیون پاکسازی) به انجمن اسلامی آموزش و پرورش لرستان ساواکی است. متن نامه چنین است: موضوع: آقای اصغر لطفی سراسی طبق مدارک موجود در پرونده های حفاظت سازمان انرژی اتمی ایران آقای اصغر لطفی از خیرچینان حفاظت ایمن سازمان بوده و در ایجاد جوخه های همکار صمیمانه داشته است لذا نظر پایتک گویا به نامبرده است در آموزش و پرورش استان محول شده است مراتب جهت استحضار و هر گونه اقدام مقتضی اعلام می گردد.

بدیهی است این شورا برای هر گونه همکاری لازم آماده می باشد. دبیر شورای پاکسازی

صادق ریانی

رو نوشت این نامه به وزیر آموزش و پرورش و دکتر حسین حالی استاندار لرستان و انجمن اسلامی مصلحان آموزش و پرورش تهران نیز ارسال شده است.

فرهنگیان لرستان نیز با مراجعه به دفتر نمایندگی کیهان از وزیر آموزش و پرورش خواستند در مورد این نماینده تام الاختیار اقدامات لازم بعمل آید و از سوی دیگر برای سرپرستی اداره آموزش و پرورش لرستان یک نفر دو می در نظر گرفته شود.

(کیهان، ۶ فروردین)

مصاحبه مطبوعاتی حجت الاسلام صادق خلخالی در دم

دعوت سادات از شاه مخلوع بمنزله دعوت از شیطان است

حجت الاسلام خلخالی درباره فرار شاه مخلوع از پامانا به مصر گفت: این کار تری بود که به مزدور خود در خاورمیانه دستور داد که از شاه مخلوع برای اقامت در مصر دعوت کند.

امریکا از حقیقت انقلاب اسلامی ایران آگاهی ندارد و به همین دلیل از همه محاسبات خود نتایج منکومی میگرد.

وی انور سادات حاکم مصر را مزدور و خائن باسلام و قرآن و به مساله اعراب تویف کرد و گفت: دعوت سادات از شاه مخلوع برای اقامت در مصر بمنزله پیمان جدیدی با شیطان است.

شاه مخلوع بوسیله ساواک ۷۰ هزار نفر را در ایران کشت و هزاران تن دیگر را آورده کرد.

همانطور که ملت ایتالیا خواهان پس گرفتن کولنا جیروزی که همراه تنی چند از اعضای کابینه سابق ایتالیا در یک پرونده رشوه خواری متهم است، ملت ایران هم خواهان استرداد شاه مخلوع است که معسول قتل هزاران بیگناه و آواره شدن هزاران نفر دیگر است.

وی گفت: امریکا همان نقشی را بازی میکند که فاشیسم به سرکردگی موسولینی در کاتاتور دردهای بیست و سی ایفا میکرد و امریکا به همان سرنوشت فاشیسم دچار خواهد شد.

با سلطه امریکا در بسیاری نقاط جهان مخالفت میشود و نه تنها سیاهان بلکه بسیاری از سفید پوستان در اروپا و امریکا لاین توسط امریکالیسم امریکا مورد استعمار قرار میگردند.

حجت الاسلام خلخالی بیامری شاه مخلوع را یک بازی مفتضحانه امریکا برای فرار دادن شاه مخلوع به قاهره خواند و گفت: ملت ایران بی توجه باین بازیها همچنان خواهان استرداد شاه مخلوع و محاکمه وی با تمام جنایاتی است که مرتکب شده است.

حجت الاسلام خلخالی از مردم ایتالیا خواست جنایاتی را که موسولینی در کاتاتور در حق ملت ایتالیا مرتکب شد با جنایات شاه مخلوع مقایسه کنند و سپس این پرسش را مطرح کرد که چرا ملت ایتالیا محاکمه و اعدام موسولینی را برای خود توجیه میکند و برای ملت ایران همان انگیزه ها را برای استرداد و محاکمه شاه مخلوع نمی یابد.

حجت الاسلام خلخالی این ارضعیده کرد که چرا ملت ایتالیا موضع ملت ایران را درگ میکند و این تنها امریکا است که درگ نمیکند و نمی خواهد بفهمد.

وی سپس درباره واکنش ملت ایران نسبت بر رژیم حاکم در مصر گفت:

ملت مصر هم به مزدور شماره یک امریکا در خاورمیانه ضربه خواهد زد و من امیدوارم که ملت مسلمان مصر مثل ملت ایران نسبت به شاه مخلوع با هر تاپ کردن سادات در زباله ان تاریخ خشم خود را نسبت باین اقدام سادات نشان دهند.

(کیهان ۶ فروردین)

یکی از کاندیدها در بندر لنگه قانون انتخابات را نقض کرد

عدهای از اهالی بستک، طی نامه ای به رئیس جمهوری به کاندیداتوری یکی از کاندیداهای مجلس شورای ملی در این شهر که مشاور وزارت کشور است، اعتراض کردند.

در نامه اهالی بستک در اعتراض به این کاندیدا آمده است:

فرد ناشناخته ای در تاریخ ۱۹ اسفند ماه وارد بندر لنگه شد و دست به تبلیغات انتخاباتی زد. این شخص که ناشی عبدالرضا نظری زاده کرمانی است، علاوه بر اینکه هیچک از شروط کاندیداتوری را ندارد، پس برخلاف قانون انتخابات مجلس از امکانات ساختارها و وسایل دولتی استفاده کرده است.

آنها در نامه اشان متذکر شده اند، مگر نه اینکه نماینده مردم باید از میان مردم باشد؟ با آنها زندگی کرده باشد؟ درد آنها را بداند؟ آنها را بشناسد؟ پس چگونه این فرد که متولد کرمان و ساکن تهران بوده، کاندیدای بندر لنگه شده است؟ این شخص علاوه بر این که دست به نقض قانون انتخابات زده، به این ترتیب که با یک اتومبیل آژیر دار دولتی، با یک پاسدار و یک افسر مسلح (تهادها و ارگانهای انقلابی از قبیل سپاه پاسداران، کمیته های انقلاب، جهاد سازندگی و غیره) شرکت در تبلیغات انتخاباتی را ندارند) وارد بستک شده بود.

در پایان نامه آمده است: جای بسی تأسف است که نامبرده دست مشاورت در وزارت کشور را داراست و لیست بیست نفری به اصطلاح مستمندان محلی تأیید کنندگان آقای کرمانی در بندر لنگه غالباً از کسائی هستند که ضد انقلابی بودندشان در یک سال اخیر بعد از انقلاب بر همه معلوم است.

آنها از رئیس جمهور تقاضا کرده اند که این امر را تصادف و اتفاق نهد و در هر چه زودتر جلوی این اعمال خلاف قانون را بگیرند که گسترش آن باعث بدبینی و وسوسه زدن در بین مردم می شود.

بهر هزینه، زیرا مساحه در این زمینه عملاً بسود ضد انقلاب است.

تاکید امام در پیام خویش بر کاستیها و کوتاهیها و سهل انگاری های دولت و مسئولین بیانگر یکی از علل عمده وجود ناآرامی ها، ناامنیها و تنشهایی است که در طول یکساله اخیر زیانهای جدی به انقلاب ایران وارد ساخته است و طبیعی است که اگر با جدیت و فوریت به آنها برخورد نشود، در سال آینده نیز از تأمین امنیت نمیتواند سخنی در میان باشد.

وجود هزارها ساواکی و عناصر ضد انقلابی توطئه گر در میان مردم و کندی و عدم فعالیت دادگاه های انقلاب در سرکوب آنها، عامل دیگری است که مزید برافعال دادگاههای انقلاب گریخته اند و بی توجهی مقامات مسئول، بر ناآرامی می افزایند و امنیت را مختل می نمایند. فاجعه هایی که در طول دوران پس از انقلاب بر گریختگان، زندانیان، سپاه پاسداران و کمیته ها، در امر پیشبرد انقلاب اخلاص کنند، ناراضی برانگیزند و بدبینی بیفزایند.

تلاش نیروهای لیبرال در دستک دولت برای مناعت از کار دادگاههای انقلاب، تصفیه ادارات و دیگر ارگانهای کشوری و لشکری و نیز جلوگیری از اتخاذ تدابیر قاطع بود زحمتکشان و علیه غارتگران، زمینه مناسبی برای ایجاد تصحیرات و توطئه های ضد انقلاب می دهد، توجیه داشته باشیم دولت نه تنها فرصتی که تا به حال از آن بهره برای فعالیت ضد انقلاب فراهم می آورد، بلکه همچنین خود بیخود حافظ قانون اساسی و مسئول اجرای دقیق آن، از انجام وظایف خویش عدول میکند.

حمله عناصر مشکوکه به نیروهای مرفی و انقلابی، حمله بدفاتر اجزای و سازمانها، هجوم به میتینگها و کتابفروشیها و روزنامه ها، ناراضیهای جدی در انتخابات و اهمیت مجلس شورای ملی و تقلبات مشهود بسود گروههای انحصار طلب، رفتار غیرقانونی برخی از اسناداران و فرمانداران در محصره در نقض آزادی های مشروع در قانون اساسی، روح شکست آورده تقاضای در آموزش و پرورش، همه و همه با لایقندی شکست آوری از جانب مسئولین روبرو میشود و این همه خود به برهم زدن امنیت دامن میزند.

این امنیت، همانگونه که تجربه نشان داده است، وابسته به اینکه چه کسی آنرا بیان کند، در مفهوم کاملاً متفاوت و متضاد دارد: امنیت برای مستکبرین، یعنی آنچه که رژیم پهلوی میخواست و امنیت برای مستضعفین، یعنی آنچه که جمهوری اسلامی ایران و رهبر انقلاب میطلبید. برای تأمین دومی نیز راهی جز سرکوب قاطع ضد انقلاب و مستکبری قاطع بسود زحمتکشان و رعایت دقیق حقوق و آزادی های سیاسی و اجتماعی محصره در قانون اساسی وجود

امام خمینی

بقیه از صفحه ۱

و درگیری و حفظ وحدت سازنده نیروهای مرفی و انقلابی برای پیشبرد اهداف انقلاب، حزب توده ایران و دیگر نیروهای انقلابی و مرفی تا به حال بسیار سخن گفته اند و تجربه بیش از یکساله که از انقلاب و تجربه میگذرد نیز چگونگی تأمین امنیت و حفظ نظم را روشن ساخته است.

آنچه که در طول یکساله اخیر آشکار شده است، فعالیت شدید ضد انقلاب برای ایجاد درگیری و تنش، بر زمینه ناراضی توده های مردم بوده است. هزارها مزدور ساواک، که از جنگ قانون و دادگاههای انقلاب گریخته اند و بی توجهی مقامات مسئول، بر ناآرامی می افزایند و امنیت را مختل می نمایند. فاجعه هایی که در طول دوران پس از انقلاب بر گریختگان، زندانیان، سپاه پاسداران و کمیته ها، در امر پیشبرد انقلاب اخلاص کنند، ناراضی برانگیزند و بدبینی بیفزایند.

تلاش نیروهای لیبرال در دستک دولت برای مناعت از کار دادگاههای انقلاب، تصفیه ادارات و دیگر ارگانهای کشوری و لشکری و نیز جلوگیری از اتخاذ تدابیر قاطع بود زحمتکشان و علیه غارتگران، زمینه مناسبی برای ایجاد تصحیرات و توطئه های ضد انقلاب می دهد، توجیه داشته باشیم دولت نه تنها فرصتی که تا به حال از آن بهره برای فعالیت ضد انقلاب فراهم می آورد، بلکه همچنین خود بیخود حافظ قانون اساسی و مسئول اجرای دقیق آن، از انجام وظایف خویش عدول میکند.

حمله عناصر مشکوکه به نیروهای مرفی و انقلابی، حمله بدفاتر اجزای و سازمانها، هجوم به میتینگها و کتابفروشیها و روزنامه ها، ناراضیهای جدی در انتخابات و اهمیت مجلس شورای ملی و تقلبات مشهود بسود گروههای انحصار طلب، رفتار غیرقانونی برخی از اسناداران و فرمانداران در محصره در نقض آزادی های مشروع در قانون اساسی، روح شکست آورده تقاضای در آموزش و پرورش، همه و همه با لایقندی شکست آوری از جانب مسئولین روبرو میشود و این همه خود به برهم زدن امنیت دامن میزند.

این امنیت، همانگونه که تجربه نشان داده است، وابسته به اینکه چه کسی آنرا بیان کند، در مفهوم کاملاً متفاوت و متضاد دارد: امنیت برای مستکبرین، یعنی آنچه که رژیم پهلوی میخواست و امنیت برای مستضعفین، یعنی آنچه که جمهوری اسلامی ایران و رهبر انقلاب میطلبید. برای تأمین دومی نیز راهی جز سرکوب قاطع ضد انقلاب و مستکبری قاطع بسود زحمتکشان و رعایت دقیق حقوق و آزادی های سیاسی و اجتماعی محصره در قانون اساسی وجود

بهر هزینه، زیرا مساحه در این زمینه عملاً بسود ضد انقلاب است.

تاکید امام در پیام خویش بر کاستیها و کوتاهیها و سهل انگاری های دولت و مسئولین بیانگر یکی از علل عمده وجود ناآرامی ها، ناامنیها و تنشهایی است که در طول یکساله اخیر زیانهای جدی به انقلاب ایران وارد ساخته است و طبیعی است که اگر با جدیت و فوریت به آنها برخورد نشود، در سال آینده نیز از تأمین امنیت نمیتواند سخنی در میان باشد.

وجود هزارها ساواکی و عناصر ضد انقلابی توطئه گر در میان مردم و کندی و عدم فعالیت دادگاه های انقلاب در سرکوب آنها، عامل دیگری است که مزید برافعال دادگاههای انقلاب گریخته اند و بی توجهی مقامات مسئول، بر ناآرامی می افزایند و امنیت را مختل می نمایند. فاجعه هایی که در طول دوران پس از انقلاب بر گریختگان، زندانیان، سپاه پاسداران و کمیته ها، در امر پیشبرد انقلاب اخلاص کنند، ناراضی برانگیزند و بدبینی بیفزایند.

تلاش نیروهای لیبرال در دستک دولت برای مناعت از کار دادگاههای انقلاب، تصفیه ادارات و دیگر ارگانهای کشوری و لشکری و نیز جلوگیری از اتخاذ تدابیر قاطع بود زحمتکشان و علیه غارتگران، زمینه مناسبی برای ایجاد تصحیرات و توطئه های ضد انقلاب می دهد، توجیه داشته باشیم دولت نه تنها فرصتی که تا به حال از آن بهره برای فعالیت ضد انقلاب فراهم می آورد، بلکه همچنین خود بیخود حافظ قانون اساسی و مسئول اجرای دقیق آن، از انجام وظایف خویش عدول میکند.

حمله عناصر مشکوکه به نیروهای مرفی و انقلابی، حمله بدفاتر اجزای و سازمانها، هجوم به میتینگها و کتابفروشیها و روزنامه ها، ناراضیهای جدی در انتخابات و اهمیت مجلس شورای ملی و تقلبات مشهود بسود گروههای انحصار طلب، رفتار غیرقانونی برخی از اسناداران و فرمانداران در محصره در نقض آزادی های مشروع در قانون اساسی، روح شکست آورده تقاضای در آموزش و پرورش، همه و همه با لایقندی شکست آوری از جانب مسئولین روبرو میشود و این همه خود به برهم زدن امنیت دامن میزند.

این امنیت، همانگونه که تجربه نشان داده است، وابسته به اینکه چه کسی آنرا بیان کند، در مفهوم کاملاً متفاوت و متضاد دارد: امنیت برای مستکبرین، یعنی آنچه که رژیم پهلوی میخواست و امنیت برای مستضعفین، یعنی آنچه که جمهوری اسلامی ایران و رهبر انقلاب میطلبید. برای تأمین دومی نیز راهی جز سرکوب قاطع ضد انقلاب و مستکبری قاطع بسود زحمتکشان و رعایت دقیق حقوق و آزادی های سیاسی و اجتماعی محصره در قانون اساسی وجود

بهر هزینه، زیرا مساحه در این زمینه عملاً بسود ضد انقلاب است.

تاکید امام در پیام خویش بر کاستیها و کوتاهیها و سهل انگاری های دولت و مسئولین بیانگر یکی از علل عمده وجود ناآرامی ها، ناامنیها و تنشهایی است که در طول یکساله اخیر زیانهای جدی به انقلاب ایران وارد ساخته است و طبیعی است که اگر با جدیت و فوریت به آنها برخورد نشود، در سال آینده نیز از تأمین امنیت نمیتواند سخنی در میان باشد.

وجود هزارها ساواکی و عناصر ضد انقلابی توطئه گر در میان مردم و کندی و عدم فعالیت دادگاه های انقلاب در سرکوب آنها، عامل دیگری است که مزید برافعال دادگاههای انقلاب گریخته اند و بی توجهی مقامات مسئول، بر ناآرامی می افزایند و امنیت را مختل می نمایند. فاجعه هایی که در طول دوران پس از انقلاب بر گریختگان، زندانیان، سپاه پاسداران و کمیته ها، در امر پیشبرد انقلاب اخلاص کنند، ناراضی برانگیزند و بدبینی بیفزایند.

تلاش نیروهای لیبرال در دستک دولت برای مناعت از کار دادگاههای انقلاب، تصفیه ادارات و دیگر ارگانهای کشوری و لشکری و نیز جلوگیری از اتخاذ تدابیر قاطع بود زحمتکشان و علیه غارتگران، زمینه مناسبی برای ایجاد تصحیرات و توطئه های ضد انقلاب می دهد، توجیه داشته باشیم دولت نه تنها فرصتی که تا به حال از آن بهره برای فعالیت ضد انقلاب فراهم می آورد، بلکه همچنین خود بیخود حافظ قانون اساسی و مسئول اجرای دقیق آن، از انجام وظایف خویش عدول میکند.

حمله عناصر مشکوکه به نیروهای مرفی و انقلابی، حمله بدفاتر اجزای و سازمانها، هجوم به میتینگها و کتابفروشیها و روزنامه ها، ناراضیهای جدی در انتخابات و اهمیت مجلس شورای ملی و تقلبات مشهود بسود گروههای انحصار طلب، رفتار غیرقانونی برخی از اسناداران و فرمانداران در محصره در نقض آزادی های مشروع در قانون اساسی، روح شکست آورده تقاضای در آموزش و پرورش، همه و همه با لایقندی شکست آوری از جانب مسئولین روبرو میشود و این همه خود به برهم زدن امنیت دامن میزند.

شرکت کارگران

بقیه از صفحه ۱

این درست بمعنای عدم مشارکت کارگران است، زیرا آن چند کارگر همچو و متمسک کننده خواستهای همه کارگران نیستند، زیرا خود منتصب از نماینده های کارگری نیستند.

مشارکت کارگران در تدوین قانون کار فقط بدین طریق میسر است که کارگران هر سندیکا و هر اتحادیه، نمایندگان خود را برای آزاد انتخاب کنند، این نمایندگان در کنفرانس یا سمیناری تبادل نظریات و آراء کنند، به نتیجه واحدی برسند و کسانی را از میان خود برای شرکت در کمیسیون تدوین قانون کار بفرستند.

نظر چنین نمایندگان می تواند به ما به نظر اقرار و منصف مختلف کارگران تلقی شود.

متأسفانه در دو سال انقلاب هنوز در همه کارخانه ها و موسسات تولیدی، در میان همه حرفه ها و همه صنوف، سندیکاها و اتحادیه های کارگری وجود ندارند. و این امر به آن علت است که مراجع مسئول نه تنها رغبتی به تشکیل صنفی طبقه کارگر از خود نشان نداده اند، بلکه گاه حتی مواضع خصمانه ای نسبت به سندیکاها اتخاذ نموده اند، از ثبت سندیکاها خودداری کرده اند، شوراها بجای سندیکا نشانده اند، تئوری سازیهای عبث کرده اند، به عناصر مخرب میدان داده اند و سر درگمی و بسد بینی نسبت به سندیکاها بوجود آورده اند. نتیجه این است که می بینیم با استفاده از همه تشکلهای صنفی کارگران، نظرها، سی، پنجاه، صد کارگر، که بیشتر مبین مواضع سیاسی شان است تا منافع مشترک صنفی شان، مورد استفاده قرار میگیرد و اینطور وانمود میشود که گویا طبقه کارگر در تدوین قانون کار شرکت داشته است.

همین نحو است در مورد شوراهای کارخانه ها. آقای وزیر کار میگوید: «در مورد شوراهای نیز همین نظر را دارم و سپهتاری هم

تشکیل دادیم.» اما کارگران خود بهترین گواهند که آن سپهتاری نه از نظر کمی و نه از نظر کیفی نتوانست با تکر خواست طبقه کارگر در دهه شوراها باشد. نمایندگان برخی از شوراهای گرد هم آمدند، که در واقع نماینده بخش کوچکی از کارگران بودند، نظریاتی را بیان کردند که نه در هماهنگی با هم، نه در هماهنگی با قانون اساسی و نه در هماهنگی با مرحله انقلاب ایران و خواستهای این مرحله بود.

نشسته و گفتند و برخاستند بی آنکه بتوانند در تدوین آیین نامه شوراها ذره ای مؤثر افتند. آیین نامه شوراها را مسئولان وزارت کار بر اساس مواضع سیاسی خود و طرز تلقی خویش از شوراها نوشته و به شورای انقلاب تسلیم کردند، تا عکس العمل شورای انقلاب چه باشد.

جریان تدوین قانون جدید کار و آیین نامه شوراها، هشداری جدی به طبقه کارگر است. تا زمانی که طبقه کارگر تشکل صنفی خود را در سندیکاها و اتحادیه ها انجام نبخشد، نمی تواند در تدوین قانون کار و آیین نامه شوراها، هشداری جدی به طبقه کارگر است. تا زمانی که طبقه کارگر تشکل صنفی خود را در سندیکاها و اتحادیه ها انجام نبخشد، نمی تواند در تدوین قانون کار و آیین نامه شوراها، هشداری جدی به طبقه کارگر است. تا زمانی که طبقه کارگر تشکل صنفی خود را در سندیکاها و اتحادیه ها انجام نبخشد، نمی تواند در تدوین قانون کار و آیین نامه شوراها، هشداری جدی به طبقه کارگر است.

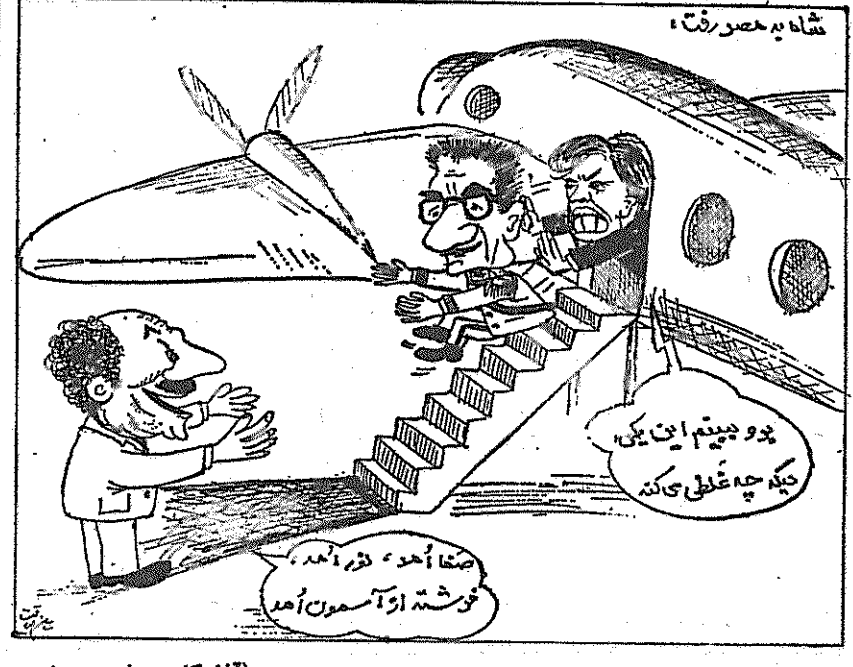
تشکیل دادیم.» اما کارگران خود بهترین گواهند که آن سپهتاری نه از نظر کمی و نه از نظر کیفی نتوانست با تکر خواست طبقه کارگر در دهه شوراها باشد. نمایندگان برخی از شوراهای گرد هم آمدند، که در واقع نماینده بخش کوچکی از کارگران بودند، نظریاتی را بیان کردند که نه در هماهنگی با هم، نه در هماهنگی با قانون اساسی و نه در هماهنگی با مرحله انقلاب ایران و خواستهای این مرحله بود.

نشسته و گفتند و برخاستند بی آنکه بتوانند در تدوین آیین نامه شوراها ذره ای مؤثر افتند. آیین نامه شوراها را مسئولان وزارت کار بر اساس مواضع سیاسی خود و طرز تلقی خویش از شوراها نوشته و به شورای انقلاب تسلیم کردند، تا عکس العمل شورای انقلاب چه باشد.

جریان تدوین قانون جدید کار و آیین نامه شوراها، هشداری جدی به طبقه کارگر است. تا زمانی که طبقه کارگر تشکل صنفی خود را در سندیکاها و اتحادیه ها انجام نبخشد، نمی تواند در تدوین قانون کار و آیین نامه شوراها، هشداری جدی به طبقه کارگر است.

تشکیل دادیم.» اما کارگران خود بهترین گواهند که آن سپهتاری نه از نظر کمی و نه از نظر کیفی نتوانست با تکر خواست طبقه کارگر در دهه شوراها باشد. نمایندگان برخی از شوراهای گرد هم آمدند، که در واقع نماینده بخش کوچکی از کارگران بودند، نظریاتی را بیان کردند که نه در هماهنگی با هم، نه در هماهنگی با قانون اساسی و نه در هماهنگی با مرحله انقلاب ایران و خواستهای این مرحله بود.

نشسته و گفتند و برخاستند بی آنکه بتوانند در تدوین آیین نامه شوراها ذره ای مؤثر افتند. آیین نامه شوراها را مسئولان وزارت کار بر اساس مواضع سیاسی خود و طرز تلقی خویش از شوراها نوشته و به شورای انقلاب تسلیم کردند، تا عکس العمل شورای انقلاب چه باشد.



(آزادگان، ۷ فروردین)

حجت الاسلام دعایی: عراق می کوشد پایگاه امپریالیزم آمریکا را در منطقه تقویت کند

حجت الاسلام دعایی سفیر ایران در عراق که به تهران بازگشته است در شب در یک گفت و گو خصوصی با خبرنگار خبرگزاری پارس اعلام کرد که رژیم بعثی عراق علیه انقلاب اسلامی ایران دست به توطئه میزند.

رژیم بعثی عراق پیش ازین روزی است که به تهران بازگشته است در شب در یک گفت و گو خصوصی با خبرنگار خبرگزاری پارس اعلام کرد که رژیم بعثی عراق علیه انقلاب اسلامی ایران دست به توطئه میزند.

رژیم بعثی عراق پیش ازین روزی است که به تهران بازگشته است در شب در یک گفت و گو خصوصی با خبرنگار خبرگزاری پارس اعلام کرد که رژیم بعثی عراق علیه انقلاب اسلامی ایران دست به توطئه میزند.

داشت تا با کمک به رژیم شاه مخلوع از پیروزی انقلاب اسلامی ایران جلوگیری کند.

وی افزود: بدلیل توده انبوه شیعیان در عراق که با رژیم بعثی آن کشور مخالف هستند عراق از گسترش انقلاب اسلامی ایران وحشت دارد و می کوشد تا با توطئه در نوار مرزی دولت ایران را با مشکلاتی مواجه کند.

رژیم بعثی عراق اکنون با رژیم های ارتجاعی منطقه روابط گسترده ای دارد و علیرغم شمارهای ظاهری خود سعی دارد پایگاه امپریالیزم و بویژه امپریالیسم امریکا در منطقه را تقویت کند.

رژیم عراق اکنون با رژیم های ارتجاعی منطقه روابط گسترده ای دارد و علیرغم شمارهای ظاهری خود سعی دارد پایگاه امپریالیزم و بویژه امپریالیسم امریکا در منطقه را تقویت کند.

رژیم عراق اکنون با رژیم های ارتجاعی منطقه روابط گسترده ای دارد و علیرغم شمارهای ظاهری خود سعی دارد پایگاه امپریالیزم و بویژه امپریالیسم امریکا در منطقه را تقویت کند.

رژیم عراق اکنون با رژیم های ارتجاعی منطقه روابط گسترده ای دارد و علیرغم شمارهای ظاهری خود سعی دارد پایگاه امپریالیزم و بویژه امپریالیسم امریکا در منطقه را تقویت کند.

تشکل کارگران در انجمن‌های صنفی (سندیگایی) ضرورت انقلاب ایران است

اخبار کارگری

هیات کارگران و کارمندان از نظر دریافت وام نباید هیچگونه تبعیضی باشد

با توجه به این مسئله که سرمایه بانک رفاه کارگران از محل بیمه کارگران تأمین می‌شود و هدف اصلی آن تهیه مسکن برای کارگران است، انتظار می‌رود هر چه زودتر به مسئله مسکن کارگران و تبعیض بین آنها با کارمندان از نظر دریافت وام رسیدگی شود. در رژیم سابق با پرداخت وام‌های کلان از طریق بانک رفاه کارگران به بعضی از افراد مانند مژبی یزدانی و بستگان آقای قاسم معینی و امثالهم، ۹۰ درصد کارگران موفق نمی‌شدند حتی از این وام سرمایه‌داران استفاده کنند.

کارگران بعد از انقلاب انتظار دارند که مقامات مسئول هر چه سریعتر و با قاطعیت تبعیض از نظر دریافت وام بین کارگران و کارمندان را برطرف کنند و به این مسئله توجه نمایند که با صد هزار تومان وامی که از طریق بانک رفاه پرداخت می‌شود، حتی نمی‌توان یک دستگاه ساختمان کوچک خریداری کرد.

کارگران کارخانه پویان گاز خواستار سود ویژه سالیانه و بازگشتن کارگران اخراجی به سر کار خود هستند

کارخانه پویان گاز، سازنده اجاق‌گازهای مبله است و در خیابان ورامین قرار دارد. در این کارخانه ۱۵ کارگر ایرانی و ۳۵ کارگر پاکستانی کار می‌کنند. کارگران این کارخانه در وضع بسیار بدی پس می‌برند و برخی از کارگران حقوقی کمتر از ۵ تومان در روز دریافت می‌کنند. سال گذشته کارفرمای کارخانه هزاران سود ویژه سالیانه به کارگران خود اداری کرد.

کارگران ایرانی نسبت به این اقدام کارفرما اعتراض کردند و در پی آن کارفرما ۵ نفر از آنها را اخراج کرد و بقیه کارگران را تهدید کرد که اگر بخواهند به شکایت و اعتراض خود ادامه دهند، به سر نوشت آنان دچار خواهند شد. اما کارگران تسلیم تهدیدهای کارفرما نشده و طی شکایتی که به وزارت کار فرستاده‌اند خواستار بازگشتن ۵ کارگر اخراجی کارخانه و پرداخت سود ویژه سالیانه کارخانه شده‌اند.

کارگران شرکت «طاق بتونی» آبادان با اتحاد خود به خواست‌هایشان رسیدند

شرکت «طاق بتونی» آبادان یک شرکت خصوصی است و از حدود ۸ سال پیش قراردادی برای ساختن ۳۰۰ دستگاه منزل مسکونی با آموزش و پرورش دارد. ۱۰۰ کارگرش و ساد در این شرکت کار می‌کنند. اکثر کارگران فنی غیر بومی و کارگران ساده بومی هستند. حقوق کارگران ساده حداقل حقوق تعیین شده از طرف اداره کار است.

این کارگران تاکنون چند بار دست به تشکیل شورا و سندیکا زده‌اند، که هر بار با مخالفت کارفرما و اخراج نمایندگان انتخابی‌شان توسط کارفرما روبرو شده‌اند.

پیش از توتوز کارگران از شرکت تقاضای عیدی و پاداش کردند. که با مخالفت کارفرما روبرو شدند. کارگران از آنجا که مخالف هر گونه اعتصاب و کم‌کاری در این شرایط هستند، باردیگر مسئله را با کارفرما در میان گذاشتند. اما کارفرما در جواب آنها راهبدهی به‌خارج کرد. کارگران از تاریخ نوزدهم تا بیست و دوم در محل کار اجتماع کردند و خواستار رسیدگی به تقاضاهایشان شدند.

کارفرما که با اتحاد کارگران و سرسختی آنان روبرو شده بود و حیل‌هایش نیز بی‌فایده بود، با کارگران به مذاکره نشست و قرار بر این شد که ۵ روز عیدی، که حداقل پاداش است، به کارگران پرداخت شود.

اجتماع کارگران پیمانکار انبار نفت در ماه‌شهر

گروه کثیری از کارگران موقت (انبار نفت صادرات پتشی) ماه‌شهر برای بدست آوردن حقوق خود در دوایه خروجی انبار نفت اجتماع کردند. این کارگران طی مشورت‌های قبلی، به همراه نمایندگان خود در این محل حاضر شدند و از پیمانکار و رئیس انبار شرکت نیز درخواست کردند تا در محل حاضر شوند و به خواست‌های کارگران رسیدگی کنند.

پس از حضور پیمانکار، نماینده کارگران خواست‌های آنها را شرح زیرین قرائت کرد:

- ۱- رعایت قانون کار.
- ۲- تعیین استراحت قانونی برای کارگران.
- ۳- در نظر گرفتن اضافه کار برای کار ایام تعطیل.
- ۴- در اداء ۸ ساعت کار اضافه ۰/۳۵ درصد اضافه مقرر شود.
- ۵- حق اولاد.
- ۶- حق مسکن.
- ۷- فوق‌العاده غذا،
- ۸- پاداش، عسیدی و تهیه وسائل ایمنی.
- ۹- تضمین و رعایت مواد فوق، در پایان، با مذاکره‌ای که میان کارگران و پیمانکار صورت گرفت، پیمانکار قول داد تا چند روز دیگر ضمن تماس با رئیس شرکت نفت آبادان، نتیجه کلی را به کارگران اعلام کند.

کارگران پیش از این طی نامه‌هایی خواست‌های خود را با رئیس اداره کار ماه‌شهر و رئیس ناحیه شرکت نفت آبادان-امور پیش در میان گذاشته بودند.

کمک به اجرای تمام و کمال و قاطع قانون اصلاحات ارضی و وظیفه کمیته‌های دهقانان بی زمین و کم زمین است

کمیته‌ها کمک به اجرای قانون است، کمک به اصلاحات ارضی است، که بعد از این همه مبارزه تصویب رسیده و قوت قانون یافته است. مبارزه دهقانان قانونی است و تشکیل کمیته‌های منزه راه مؤثر یاری رساندن به قانون و قانونگذار است.

کمیته‌های دهقانان بی زمین و کم زمین باید دست خود آنها، به عمت آنها، بسود آنها و بخاطر رسیدن به هدفهای اساسی قانون اصلاحات ارضی تشکیل شود. ترکیب این کمیته‌ها و همچنین هدف آنها کاملاً مشخص است. هر جا دهقانان تهدید می‌شوند این کمیته‌ها را تشکیل داده و در آنها و فعالانه مشارکت داشته باشند، خواهند توانست در دوران معینی از زمان، وظیفه تاریخی مهمی را برانجام برسانند.

جامعه ما را در پیاد و جلوی عمل گروه‌های مخالف قانون اصلاحات ارضی را بگیرد و به تصویب شورای انقلاب و مسئولان انقلابی وزارت کشاورزی و نهادهای انقلابی دست‌اندرکار برای اجرای دقیق و قاطع و همه جانبه آن کمک کند. در اینجا نه فقط همسازمانهای مترقی و مساهل انقلابی و وظیفه‌مقاربه با دسایس مخالفان اصلاحات ارضی را دارند و باید انواع مسخه - بازیهایی عرفی و شرعی آنها را فاش کنند، بلکه خود دهقانان باید به کمک قانون مسره بهشتانند تا حق خود را بگیرند و زمین را به‌هی - دستان روستاها برسانند و شر - زمینداران بزرگ را از سر خود کوتاه کنند.

در اجرای قانون، مستقیماً دهقانان بی زمین و کم زمین ذینفع هستند که موضوع خود قانون است و مستقیم بر سر دادن زمینها بخود آنها است. آنها این کار می‌کنند و زمینها را می‌کشند، ولی تا حالا ارباب و بزرگ مالک سود را می‌برد و زندگی روستاها به فلاکت و تبااهی میکشاند است.

در میان تصویب قانون اصلاحات ارضی، که چهارشنبه شب ۸ اسفند ماه در شورای انقلاب صورت گرفت و روز پانزده اسفند توسط استاد رضا اصفهانی معاون وزارت کشاورزی و آقای بنی صدر رئیس جمع‌سوزی اعلام شد، گروه‌های مخالف سخت به جنب و جوش افتادند.

مالکان بزرگ و مخالفان اصلاحات ارضی متنفذ، فعال و خطرناک‌اند

مخالفان عبارتنند از اولاً خود مالکان بزرگ، که منافع طبقاتی غارتگرانه خویش را در خطر می‌بینند، ثانیاً عسال و کارگران و زمینداران آنها از نظر مادی و فکری، چه در محل و چه در شهرها، که ریزه‌خوار سفره چاول آنها و دزدان ثمره زحمت دهقانان هستند. ثالثاً سرمایه‌داران وابسته که حس می‌کنند همپاکی و یارزدیک خود را دارند از دست می‌دهند. رابعاً دستجات کثرت انقلابی و وابستگان به ساواک و بقایای عوامل شاه مخلوع، که سخت فعال هستند. و بالآخر همه کارگران امیر یا لیسیم، که یک پایگاه مهم نفوذ و سلطه ارباب را از دست رفته می‌بینند.

این گروه‌ها و محافل گاه بصورت شورای کشاورزی عمل می‌کنند، گاه لباس روحانی میپوشند، گاه کبیل‌مدعی می‌شوند، گاه آدامه عبا را بر تنه و زانوتان هستند و گاه به هیئت «لیبرال» علاقمند به «امنیت مالکیت»

و گردانندگان دستگاه اداری آدماهای خود را دارند. از تبه به سطره جویی و آشناسی با طرق ارباب و تزیین بر خود دارند، به برخی سنت‌ها و عسادات منسوخ و تبهت‌های کور نیز متکی هستند. فعالیت تبالود این گروه‌ها بود که موجب شده قانون اصلاحات ارضی توسط برخی معافل زیر علامت سؤال قرار گیرد و از تعویق آن صحبت می‌مان آید و در اصل تصویب آن تردید شود.

تجهه عمل این گروه‌ها مستقیماً بزبان انقلاب ماست و آنرا از یکی از مهمترین هدفهای خلقی خود دور می‌کنند. تخم یاس و ناراضی می‌پراکنند، موجب خشم و هیولتها دهقان می‌شود و باور آنها را به انقلاب بره‌ان مست می‌کنند. پس تردید و تمسویق در قانون اصلاحات ارضی نه تنها علیه مردم و علیه دهقانان زحمتکش، بلکه علیه خود انقلاب مترجه است. هر فرد انقلابی و مترقی باید اهمیت و حساسیت این مسئله بزرگ

نیروی متحد میلیونها دهقان بی زمین و کم زمین میتواند کار اصلاحات ارضی بنیادی را از پیش ببرد

و نیم‌بندی بهر میزد، باید به ایجاد و فعالیت این کمیته‌ها یاری برساند. باید بزرگ مالکی را در بینه کن کرد، تا هر بار بارش کنی سرمایه‌داری وابسته و عمال امیر یا لیسیم و رژیم سابق، انقلاب را نجات داد. دهقانان را به حق‌دار و زمین‌دار به دهقانان رساند، تا میلیونها روستایی زحمتکش از مرآت انقلاب بهره‌مند شوند، با تمام وجود خود مدافع حامی آن گردند و اقتصاد کشاورزی مسارا به سوی رشد و شکوفایی ببرند.

این وظیفه تاریخی مردم ریشه کن کردن بساط بزرگ مالکی و انجام اصلاحات بنیادی ارضی است

این دوران معین از زمان نیز از آغاز تا پایان اصلاحات ارضی بنیادی را در بر میگیرد و با برچیده شدن کامل بساط بزرگ مالکی و زمین رسیدن دهقانان بی زمین و کم زمین (که در آن نوع دیگری بی زمین و کم زمین نخواهند بود) خاتمه می‌یابد.

اخبار دهقانی

مالک کشت نمی‌کند، زمین‌ها را به دهقانان بدهید

۶۵ نفر از خوش‌نشینان کره بخس عمده، که در تنگسیتی و فقر بسر می‌برند، از دارگاه انقلاب خواستار شدند که ۵۰ هکتار از زمینهای بلااستفاده مالک ده زار اختیار آنان قرار دهد. تا بدین ترتیب روستائیان با کار و کوشش خود اندکی سفره بی‌برق خانوادگی خود را برنمایند و از سوی دیگر نیازهای تولیدی کشور را تأمین کنند. مالک ده زمینها و خوش‌نشینان را به حال خود رها کرده و بدین ترتیب قسمتی از زمین در آمد ملی را که افتاده است.

زمین‌ها بلااستفاده و دهقانان بدون زمین مانده‌اند

۹۲ نفر از دهقانان ده قوام‌بادکین، واقع در استان فارس، که تعداد ۳۰ نفر آنها خوش‌نشین هستند، بعد از یکسال دوندگی از دارگاه انقلاب خواستار واگذاری اراضی به روستائیان هستند. آنها بحق میگویند در زمانیکه در روستای قوام‌بادکین کارهای زمین بلااستفاده مانده است، چرا باید دهقانان بدون در اختیار داشتن وسائل تولید در روستای خود سرگردان و عاطل بزندگی ادامه دهند؟

مالک مانع ادامه کشت و کار میشود

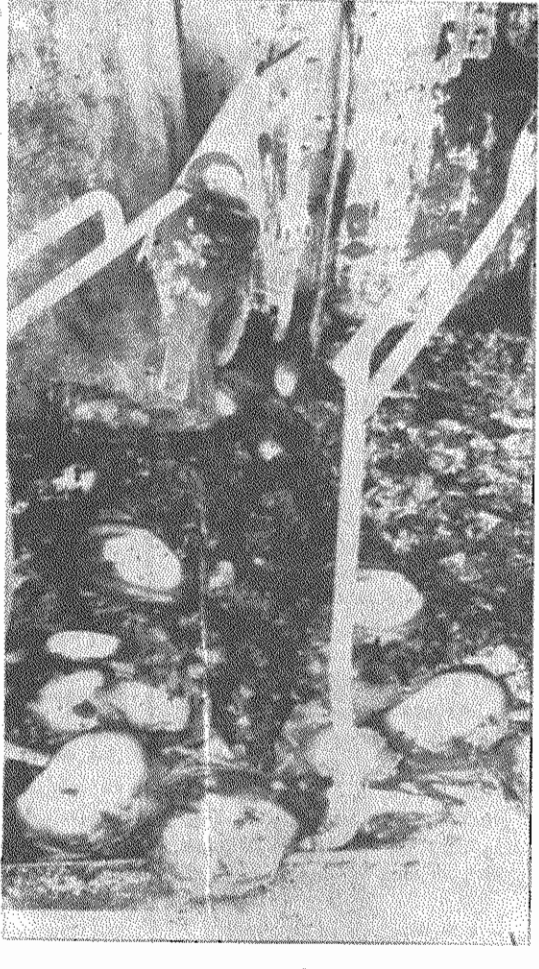
• دومین پاراسته که مالک روستای تل‌فیاض، واقع در استان فارس، کشاورزان را، که با اجازه قانونی حاکم شرع زمین‌های بلااستفاده مالک را بزییر کشت برده بودند، به دارگاه می‌کشاند. روستائیان میگویند: ما برای گسستن بند وابستگی به آمریکا چپانخواستار زمین‌ها را کشت کرده‌ایم و مالک برای حفظ این وابستگی مانع ادامه کار و تولید ما میشود. مالک میخواهد نارضائی ایجاد کند و از این طریق به انقلاب لطمه برساند.

این زمین را به خوش‌نشینان بدون زمین بدهید

• در روستای قنات - دهبار و جلال آباد، در منطقه دارنگون، ۴۰۰ خانوار زراعت و به همین تعداد خوش‌نشین زندگی میکنند. از ۷۵۰ هکتار زمین در این ده فقط ۷۰۰ هکتار آن متعلق به کشاورزان است. قبل از انقلاب مالک ده، بکمال زاندارم‌ری، برای نصب زمینهای روستائیان از هر گونه حیل و اعمال زور فرودگذار می‌گردد. بعد از انقلاب شکوهمند ما، مالک ده از ترس خشم زارمین ده را ترک گفته، ولی هر شب با افراد مسلح خود بخانه و کاشانه دهقانان زحمتکش حمله‌ور میشود. بیشترین خسارات و زورگوئیهای مالک به خوش‌نشینان وارد می‌آید، که با فداکاری از حقوق خود و از دستاوردهای انقلاب دفاع میکنند. آنها از مقامات مسئول کمک میخواهند و از عدم امنیت جانی و مالی رنج می‌برند.

حمله ضد انقلاب به کیوسک حزب توده ایران در آبادان

عوامل ضد انقلاب در آخرین روزهای سال قبل بسار دیگری به کیوسک فروش نشریات حزب توده ایران در آبادان حمله کردند و آن را به آتش کشیدند. در حمله عوامل ضد انقلاب به این کیوسک کلیه کتاب‌ها و نشریات آن به آتش کشیده شد و



رفقای حزبی! هواداران و دوستداران حزب!

اسناد حزبی (اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و...) منتشره در «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران را، با استفاده از تمام امکانات، به وسیله تریبون شکل تکثیر کنید و به نوده‌های مردم برسانید. در شرایط حساس کنونی این یک وظیفه مبسوم انقلابی است.

خوانندگان گرامی میتوانند در خارج از کشور به آدرس‌های زیر با «نامه مردم» مکاتبه کنند

بلژیک
51, Av. de Broqueville
1200 Bruxelles

انگلستان
P.O. Box 141
London. E 70 PE

فرانسه
Rigel Albert
BP 75160
75001 Paris
France

سوئد
Box 27730
27230 Stockholm

ایتالیا
Pci, Shams
Via G. Vincon, 46
Ostia (Roma)
Tel. 6614922 (TUDEH)

در گذشت يك توده‌ای وفادار



با کمال تأسف اطلاع یافتیم که رفیق عباس مهرانی از یاران قدیمی و وفادار حزب توده ایران، پس از یک بیماری طولانی در گذشت. عباس مهرانی، که مسلمان متعهد و مبارزی بود، با تشکیل شورای متعهد مکزکی کارگران ایران، به این شورا پیوست. او از یاران و نزدیکان علی امین‌کارگر مبارز توده‌ای بود و تا کودتای ۲۸ مرداد با او در یک سنگر مبارز میگردید.

در دوران اختناق و ستم پهلوی، او با گوش دادن به رادیو بیوک ایران رهنمودهای حزبی را به میان کارگران می‌برد.

این مسلمان مبارز تا آخرین لحظه حیات به حزبش وفادار ماند. مادر گذشت این توده‌ای مبارز را به بخا نواهد وی و یاران هم - رزمایش صمیمانه تسلیت می‌کوییم.

توقف تولید به - دلیل پاکسازی شهر!

استاندار خوزستان به بهانه پاکسازی شهر اهواز، تولید را در این شهر در روز ۲۷ اسفند متوقف کرد.

تعلیلات نوروزی اهوازی‌ها عملاً از روز ۲۷ اسفند شروع شد. در این روز دستور آقای غرضی استاندار خوزستان تحت عنوان پاکسازی شهر، کارخانه‌ها، ادارات و مدارس تعطیل شدند و کارگران، کارمندان، مسلمانان و دانش‌آموزان به محیط کار یا تحصیل خود رفتند. با توجه به شرایط حساس کنونی و وضعیت اقتصادی کشور، که حتی یک دقیقه توقف تولید به تشدید وخامت اوضاع اقتصادی منجر می‌شود، تعطیل عمومی اهواز، آنگاه به دلیل پاکسازی شهر، چگونه می‌توان توجیه کرد؟

از کمکهای مالی رفقا و دوستان سپاسگزاریم

بهر روز ۱۰۰۰ ریال
کارگران از لوج ۲۱۰۰
سکوی از پانه ۵۷۱۳
تادیانولوف به بهانی ۲۰۰۰
استر با اختیار
از بند عباس ۵۰۰
جلال پورابن عربی ۴۰۰۰

توجه: از همه دوستانی که به هر یک از حساب‌های بانکی حزب توده ایران وجهی واریز می‌کنند، خواهشمندیم فتوکپی رسید پاک و واریز ما ارسال دارند

ششمین شماره

دنیای

منتشر شد

واقعا نمی‌شد این مدارک را زودتر تهیه کرد؛ یا اصولاً تهیه مدارک همان تهیه نخود سیاه بود!

بعد موضوع فروکش می‌کند و تمام نیروها معطوف به حل مسئله گروگان‌ها، دیدار اعضای کمیسیون بررسی جنایات شاه مخلوع با گروگان‌ها و... می‌شود. بالاخره رویه اعلام می‌کند که «شاه با پرداخت وجه القصاص از بازداشت درآمده! هر چند یک منبع کاخ ریاست جمهوری پاناما، که از بازی «تکیه» تکذیب خوش آمده است، این را هم تکذیب می‌کند و می‌گوید:

«در وضعیت شاه ایران تغییری داده نشده است و او همچنان بعنوان مسلمان دولت بسر میبرد». (اطلاعات، ۱۳۵۸/۱۱/۲۰)

کار به اینجا می‌رسد، سر و کله وکلای رنگارنگ وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران پیدا می‌شود که یکی فرانسوی است، یکی پانامایی، یکی آرژانتینی، یکی...

وکیل فرانسوی ایران اعلام می‌کند که ایران تا ۲۲ مارس برابر با ۲۲ فروردین سال ۵۹، یعنی دو روز قبل از رفتن شاه مخلوع به مصر، فرصت طرح دعوی علیه شاه مخلوع را دارد. او همچنین اعلام می‌کند که «ایران رئیس پیشین دیوان عالی کشور پاناما را نیز به خدمت گرفته است تا طرح دعوی ایران همکاری کند». بگذریم که اسوشیتد پرس در معرفی این وکیل پانامایی دم خروس را نشان می‌دهد و اعلام می‌کند که:

«این شخص (وکیل پانامایی) به هواداری از دولت پاناما شهرت دارد!» (اطلاعات، ۵۸/۱۱/۲۷)

از این به بعد وکلای رنگارنگ يك در میان خبر می‌دهند:

- شاه مخلوع تا دو هفته دیگر بازداشت می‌شود. (اطلاعات، ۵۸/۱۱/۳۰)

- اگر مجازات شاه اعدام نباشد، استرداد شاه با موفقیت توأم خواهد بود. (اطلاعات، ۵۸/۱۲/۲)

- تقاضای بازداشت شاه هفته آینده تسلیم دادگستری پاناما خواهد شد. (خبرگزاری فرانسه، ۵۸/۱۲/۱۶)

- مقدمات دادخواست علیه شاه مخلوع فراهم شد. (آسوشیتد پرس، ۵۸/۱۲/۲۶)

البته توجه دارید که تمام جملات بالا بنحوی ناقص یکدیگرند. بهر حال کار به جایی می‌رسد که حتی برای «الشاء» درخواست استرداد شاه مخلوع، آقای وکیل پانامایی راهی تهران می‌شود!

(خبرگزاری فرانسه)

بگذریم که همزمان با این خبرهای خوش (۱) از آن طرف خبر می‌رسد که:

- «برای استرداد شاه مخلوع از پاناما هیچگونه اقدامی نشده است» (وزیر دادگستری پاناما، ۵۸/۱۲/۵، آزادگان)

- «وزارت دادگستری پاناما هیچگونه درخواست رسمی از سوی ایران دریافت نکرده است تا بتواند مراحل بررسی را آغاز کند» (همان روز)

لا بد خاطر همین خبرهای ضد و نقیض است که ناگهان بیماری شاه مخلوع دوباره عود می‌کند و او بالاخره در بیمارستان بستری می‌شود. (۵۸/۱۲/۲۵)

دو روز بعد باز ناگهان حال شاه مخلوع خوب می‌شود و عمل او به تعویق می‌افتد و بالاخره ۴ فروردین شاه مخلوع پاناما را به قصد مصر ترک می‌کند.

ولی وزیر خارجه ایران خوش‌پاورانه می‌گوید:

«این جنایتکار را هیچ‌جا قبول نکردند... اسرائیل جنایتکار هم او را نپذیرفته تنها جایی که گیمینجر توانست با روابطی که با انورسادات خان دارد، مصر بود...» (مصاحبه آقای قلبزاده با کیهان، ۶ فروردین)

به این ترتیب آقای قلبزاده، يك مسئله پیچیده جهانی را که امپریالیسم جهانی و در راس آن امپریالیسم آمریکا عیناً در آن درگیر است، این چنین در چهار کلمه توجیه و تفسیر می‌کند و رابطه امپریالیسم با وابستگی راد را رابطه خصوصی کیسینجر و انورسادات خلاصه می‌کند.

اما آقای قلبزاده، در ورای این ساده‌انگاری، مسئله اصلی خود را نیز مطرح می‌کند و با گفتن اینک:

«... گذر ملی آنجا (پاناما) تصمیم گرفته بود اگر تا ۴ ساعت ما يك کاری در مورد گروگان‌ها بکنیم و آن‌ها دستشان پر باشد و بتوانند عمل بکنند والا آنها هم زیر فشار افکار عمومی قسبه را رها نکنند...» (همان مصاحبه)

در حقیقت بار دیگر مسئله لزوم انجام «کاری در مورد گروگان‌ها» را مطرح می‌کند. کاری که دست پانامایی‌ها را بره کند. آیا این کار جز آزادی گروگان‌ها، بدون تحویل شاه مخلوع چیز دیگری می‌توانست باشد؟ و الا در مورد گروگان‌ها چه کاری می‌شد کرد که دست پانامایی‌ها و در حقیقت آمریکا بره‌باشد؟ بهر صورت حالا شاه مخلوع به مصر رفته است. با مصر هم که رابطه نداریم، مصر هم که با آمریکا رابطه ندارد، فقط رابطه کیسینجر است و انورسادات! انورسادات هم که با ایرانیا قهر است و طبعاً به کسی تلفن‌های شبانه نمی‌زند و... شاید يك وکیل مصری قسبه را حل کند! وکیل پانامایی که نتوانست، هر چند حسن کار این وکیلان این بود که... ما در این ماجرا يك پیروزی نسبتاً بزرگ برایمان ایجاد شد، یعنی در مقابل هرگونه فکری که ما نمی‌توانستیم و حقانیت نداشتیم، در مقابل جنایات شاه این مسئله از بین رفت...» (از مصاحبه آقای قلبزاده)

بسر حال برای هر یک بد شد، برای وکیلان بد نشد. وقتی از وکیل پانامایی پرسیدند: «چقدر پول از دولت ایران دریافت می‌کنند، تا کار به این پیچیدگی را دنبال کند؟ او «قبه‌کنان خندید و رفت!» (اطلاعات، ۵۸/۱۲/۲)

بازی استرداد شاه مخلوع و خوش باوری آقای وزیر خارجه

زودگیریهای شخصی، اصل قسبه رابه فراموشی می‌سپارد، و درست در روزی که شاه مخلوع تعلیلات آخر هفته را با رئیس جمهور پاناما می‌گذراند، دم از اختلافات داخلی می‌زند.

سکوت وزارت خارجه، افشاگری رئیس جمهور پاناما

روز ۱۶ دی ماه ۱۳۵۸ روزنامه اطلاعات خبر از نامه‌ای می‌دهد که رئیس‌جمهور پاناما روز ۲ دی ماه به مقامات ایرانی نوشته است. بنا به گفته مقامات پانامایی، پس از گذشتن ۹ روز و سکوت مسئولین ایرانی در قبال این نامه، عاقبت رئیس‌جمهور پاناما شخصاً مقام نامه را فاش می‌کند. در این نامه تأکید شده است که: «گروگان‌های آمریکایی باید پیش از آنکه پاناما استخراج شاه مخلوع ایران را مورد بررسی قرار دهد، آزاد شوند» او در این نامه مجدداً تذکر می‌شود که «مطمئن است که ایران نمی‌تواند خود را با شرایط استرداد شاه مخلوع از پاناما منطبق کند».

اولین سئوالی که در رابطه با این نامه مطرح می‌شود این است که: چرا این نامه آنقدر نزد مقامات ایرانی می‌ماند تا عاقبت رئیس‌جمهور پاناما آن را افشاء کند و آنرا گذشتند چرا پایتک سخنان رئیس‌جمهور پاناما دقیقاً و مشخصاً حاکی از عدم استرداد شاه است، وزارت خارجه ایران دم از پیشرفت مذاکرات با پاناما می‌زند؟ (آقای قلبزاده اعلام کرد که رئیس‌جمهور پاناما تلفنی با او تماس گرفته است.) (۲۶ دی ماه)

بازی «از وزارت خارجه خوش‌بینی، از پانامای بازی» همچنان ادامه می‌یابد تا اینکه روز ۳ بهمن ماه «کیهان» اعلام می‌شود که: «شاه در پاناما دستگیر و بازداشت شده!»

بر اساس اطلاعات وزارت خارجه، این مطلب در گفتگوی شبانه رئیس‌جمهور پاناما با شخص آقای قلبزاده اعلام شده است. آقای قلبزاده نیز رسماً اعلام می‌کند که «این خبر دقیق و قطعی است و دیر یا زود همه دنیا آن را باور خواهد کرد» (همان روز - روزنامه)

فرمای آن روز، ۴ بهمن ماه، سخنگوی دولت پاناما رسماً دستگیری شاه را تکذیب می‌کند (کیهان) و رئیس‌جمهور پاناما نیز زود همین روز روشن کرد که شاه مخلوع نه تنها دستگیر نشده، بلکه از جانب نیروهای امنیتی پاناما محافظت هم می‌شود.

این تأیید و تکذیب‌ها در شرایطی صورت می‌گیرد که مردم کشور به خاطر این خبر دروازه دروغ غرق در شادی می‌شوند، چراغ اتومبیل‌ها روشن می‌کنند، یوق می‌زنند و حتی محل محاکمه شاه مخلوع را نیز تعیین می‌کنند: ورزشگاه آزادی!

و قسبه به این ترتیب ادامه می‌یابد:

- سخنگوی دولت پاناما «شاه صادق قلبزاده وزیر امور خارجه ایران را در مورد بازداشت شاه در پاناما و استرداد او به ایران مطلقاً بی‌پایه و اساس خواند» (۱۱/۴ - کیهان)

- سخنگوی وزارت خارجه حرفهای سخنگوی دولت پاناما را تکذیب کرد.

- سخنگوی سفارت آمریکا اعلام کرد که: «این داستان به کلی بی‌اساس است و دولت پاناما هم آن را تکذیب کرده است».

- آقای قلبزاده که در مواقع مختلف، چپ و راست با خبرگزاری‌های امپریالیستی و سبیبویستی مصاحبه اختصاصی می‌کند، این بار همه خبرگزاری‌ها را دیوگنو و خرابکار می‌خواند و اعلام می‌کند که «شاه بازداشت شده است! این است و جز این نیست! حالا بگذار رئیس‌جمهور پاناما سوگند یاد کند که: «موضوع بازداشت شاه و یا تحویل وی به دولت ایران مطرح نیست»» (خبرگزاری فرانسه، ۵۸/۱۱/۴)

بازی تکذیب

با این ترتیب در حالی که مردم پاناما علیه اقامت شاه مخلوع در پاناما دست به تظاهرات خونینی می‌زنند، آقای ماریو پانتر دبیر کل فدراسیون دانشجویان پاناما، که از رهبران تظاهرات ضد شاه مخلوع است، با تکیه از خبرنگار «نامه مردم» می‌رسد:

«چرا دولت ایران اسناد جنایات شاه را به پاناما نفرستاده است؟ و آقای قلبزاده، پس از مرگ سهراب، بی‌وزمندان خبر از آوردن نوشدارو می‌دهد و می‌گوید:

«... ما توانستیم تمام اسناد و مدارک را آماده کنیم... و يك روز قبل از موعد مقرر مدارک ما در پاناما حاضر بود» (مصاحبه با کیهان، ۶ فروردین ۱۳۵۹)

بازی «استرداد شاه مخلوع از پاناما»، همانطور که از ابتدا روشن بود، با رفتن محمد رضا پهلوی از پاناما به پایان رسید. در حالی که آقای صادق قلبزاده وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، که دالسته یا نادالسته، نقش اول این بازی را برعهده داشت، با وجود وکلای رنگارنگ ایران که «مواظب بودند کلک نخورند» (از مصاحبه وزیر خارجه، کیهان، ۶ فروردین) هنوز تمام توطئه‌های امپریالیسم جهانیخواه آمریکا را به سادگی «کلک» می‌خواند و از آن ساده‌تر، می‌گوید:

«اگر شاه ۴۴ ساعت دیگر مانده بود، توقیف می‌شد و محاکمه می‌گردید» (از همان مصاحبه)

شاه مخلوع، ۲۶ آذر سال گذشته، با يك هواپیمای نیروی هوایی آمریکا از این کشور به پاناما رفت و در پایگاه هوایی «هوارده» متعلق به نیروهای مسلح آمریکا در پاناما فرود آمد.

شاه مخلوع هنوز به خانه خود در پاناما نرسیده بود که به جای مسئولین دولت به اصطلاح مستقل پاناما، کاخ سفید واشنگتن اعلام کرد که: «دولت پاناما به حق اقامت داده است» (خبرگزاری فرانسه، روزنامه جمهوری اسلامی)

بر همگان آشکار بود که نقشه این سفر توسط امپریالیستهای آمریکایی طرح و اجرا شده و دولت پاناما در این بازی نقشه‌ریز است. دانشجویان مسلمان بیرو خط امام مستقر در لانه جاسوسی آمریکا، در رابطه با این سفر، در اطلاعاتیه شماره ۲۸ خود بدرستی اعلام کردند که:

«... دولت جنایتکار آمریکا که به خوبی می‌داند با محاکمه محمد رضا پهلوی فراری موقت سران مزدخوش برای ملت‌های جهان روشن خواهد شد و دیگر جایی برای ادامه سلطه ننگینش بر ملل محروم باقی نخواهد ماند، به شکست فاحش دیگری تن‌در می‌دهد و محمد رضا پهلوی فراری را به دولت دست‌نشانده خود پاناما انتقال می‌دهد تا به خیال خود ملتها را فریبید که دیگر تکوید آمریکا باید محمد رضا پهلوی فراری را به ملت ایران تحویل دهد...»

اما آمریکا خیال خامی در سر می‌پروراند: ملتها فریب نمی‌خورند. هر چند آقای صادق قلبزاده، اگر خوش‌بینانه بنگریم، نشان می‌دهد که برخی مسئولان دولتی فریب می‌خورند. بر همین اساس وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران، روز ۳ دی ماه ۱۳۵۸، یعنی تازه ۷ روز بعد از فرار شاه مخلوع، رسماً از دولت پاناما «شواستار استرداد شاه می‌شود».

رئیس‌جمهور پاناما، مبره دیگر این بازی، که از همان روز ورود شاه مخلوع خبر از «میهمان‌نوازی» دولت پاناما دارد و تأکید کرده بود که «اجازه اقامت شاه در پاناما بدون محدودیت زمانی است» ۵ روز بعد یعنی روز ۸ دی ماه اعلام کرد که «... پاناما حاضر است درخواست ایران را در رابطه با استرداد شاه مخلوع مورد بررسی قرار دهد...» اما معتقد است که «بازگرداندن شاه سابق به ایران تقریباً غیرممکن است، چرا که خیال نمی‌کند دولت ایران بتواند اسناد لازم را برای استرداد شاه، که طبق قانون پاناما ضروری است ارائه دهد...» (اطلاعات، ۵۸/۱۰/۸)

پاناما بهر همگان، - و امیدواریم بر آقای قلبزاده - «مردوشن است که دولت ایران و ملت ایران می‌تواند اسناد لازم را برای استرداد شاه ارائه دهد: ۲۰ هزار کشته، صدها هزار زخمی!»

پس باید دید رئیس‌جمهور پاناما از کدام «توانستن» سخن می‌گوید.

در نگاه به مقاله «نامه مردم» در روز ۱۳ دی ماه ۱۳۵۸، تحت عنوان «محاکمه شاه مخلوع، محاکمه آمریکاست»، می‌توان به کتبه مطلب مورد نظر آقای رئیس‌جمهور پاناما، بی‌برد، در این مقاله می‌خوانیم:

«... این محاکمه (محاکمه شاه مخلوع) افشاء تمام زنجیره سیاسی است که امپریالیسم آمریکا در ایران اجرا کرده است، تا یاران ربه‌کشوری استعمارزده، زیر یوغ يك رژیم پلیسی - نظامی خونخوار با وظیفه زاندارم منطقه‌ای بکشاند».

آری، محاکمه شاه مخلوع، محاکمه آمریکاست و طبیعتاً آقای رئیس‌جمهور پاناما، که از وابستگی آمریکاست، باور ندارد که آمریکا مشتاقانه و به پای خود به پای میز محاکمه ایران بیاید.

پس شاه نمی‌تواند به ایران مسترد شود، پس ایران نمی‌تواند اسناد لازم برای استرداد شاه را ارائه دهد!

چنانچه این را می‌مانند، اما آقای قلب زاده ظاهراً این را نمی‌داند، زیرا در حالی که دانشجویان مسلمان بیرو خط امام مستقر در لانه جاسوسی آمریکا در رابطه خود تأکید می‌کنند که: «... شاه را باید به شیوه‌ای انقلابی پس گرفت نه سازشکارانه...» سخنگوی وی روز ۱۵ دی ماه اعلام می‌کند که:

«... بر اثر اقدامات وسیع دیپلماتیک... دولت پاناما رسماً اطلاع داده است که حاضر به بررسی موضوع استرداد شاه مخلوع بوده و منتظر است که طرف مدت کوتاهی اسناد مربوط به «برصیت شاه...» را دریافت دارد» (کیهان، ۱۳۵۸/۱۰/۱۵)

آقای قلبزاده نیز در همین روز شخصاً در مصاحبه‌ای با پاناما پس‌دادن شاه را جدی تلقی کند، هست یا خیر، می‌گوید:

«بله با اقداماتی که ما کرده‌ایم این مسئله به صورت جدی طرح شده است و اگر ما از داخل مواجه با يك خرابکاری در رابطه با وزارت خارجه نشویم و سعی نکنند که وزارت خارجه را تضعیف کنند، امید پیروزی هست!»

به این ترتیب آقای قلبزاده، با برپادادن به مسائل فرس

آیا ۴۴ هزار ساواکی بکار در ادارات گمارده خواهند شد؟

روزنامه فرانسوی لوموند در شماره ۳۳-۲۴ مارس خود (چهارم فروردین) از قول آقای بنی‌صدر رئیس‌جمهور نوشته است که:

«چهار هزار مأمور ساواک مشمول اعاده حیثیت قرار خواهند گرفت و می‌توانند در ادارات دولت جمهوری مشغول کار شوند».

این مطلب را روزنامه نگار معروف فرانسوی، آقای اریک رولو، در مقاله‌ای که در صفحه اول روزنامه لوموند چاپ شده، به نقل از رئیس‌جمهور نوشته و در آغاز اظهار عقیده کرده است که:

«جناب راست، محافظه‌کاران از هر نوع، روحانیون فشری و طرفداران سلطنت می‌توانند خوشحال باشند».

مسئولیت تفسیر و اظهار نظر روزنامه نگار البته با خود اوست، ولی سخنان رئیس‌جمهور، که مقام مسئول است و از زبانی‌وی حائز اهمیت فراوان برای آینده دستگاه حکومتی ایران است. آیا روزنامه نگار فرانسوی سخنان رئیس‌جمهور ایران را درست نقل کرده است؟

آیا واقعا ۴۴ هزار مأمور ساواکی در لباس‌های مختلف مشمول اعاده حیثیت خواهند شد؟

آیا واقعاً در نظر است راه‌روانخانه‌ها و ادارات بر روی مأموران ساواک شاه مخلوع، این دستگاه عمده اختناق و سلطه امپریالیسم باز شود و آنها دوباره بکار گمارده شوند؟

یکشنبه‌ها: «مردم» بزبان کردی

هوپتان کرد مقیم تهران می‌تواند روزنامه مردم بزبان کردی را، که روزهای یکشنبه منتشر می‌شود، از کوبه‌های مختلف تهران دریافت دارند.

برای شهیدان حزب و جنبش

«مردم» در نظر دارد کسهای تمام‌بازرانی را که در دوران سلطنت تنگین و منفورخاندان پهلوی در راه آرمان‌های ملی و میهنی و انسانی خود به شهادت رسیده‌اند، جمع‌آوری کند. از همه میهن‌دوستان آزادی-خواهان تقاضا می‌شود که هر عکسی از این مبارزان شهید دارند، به دفتر «مردم» مراجعه کنند. باسپاس - «نامه مردم»

لیست ساواکی‌ها را منتشر کنید!

اصل قانون اساسی را در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی اجرا کنید



رئیس هیئت نمایندگی سازمان آزادیبخش فلسطین در مسکو: نیروهای شوروی برای دفع تجاوز خارجی وارد افغانستان شده اند

دربار دیدار یک هیات حقوقدان دمکرات افغانستان، محمدالشاعر رئیس هیات نمایندگی سازمان آزادیبخش فلسطین در مسکو، که یکی از اعضای این هیات بود، در مصاحبه ای گفت که البتة برای سازمان آزادیبخش فلسطین هیچ گونه نیت یا قصدی در مورد افغانستان وجود ندارد. او افزود که سازمان آزادیبخش فلسطین هیچ گونه نیت یا قصدی در مورد افغانستان ندارد. او افزود که سازمان آزادیبخش فلسطین هیچ گونه نیت یا قصدی در مورد افغانستان ندارد. او افزود که سازمان آزادیبخش فلسطین هیچ گونه نیت یا قصدی در مورد افغانستان ندارد.

جنایتکاران فراری کوبانی در آمریکا فعال اند

سازمان تروریستی امکا-۷، که اعضای آنرا فراریان و جنایتکاران کوبانی در آمریکا تشکیل میدهند، یک بمب پلاستیکی در اتومبیل نماینده کوبا در سازمان ملل متحد کار گذاشت. این بمب بوسیله یکی از مقامهای کوبانی خنثی شد. این سازمان با چشم پوشی مقامهای آمریکایی بارها دست به این قبیل اعمال جنایتکارانه زده است. پلیس آمریکا تاکنون اقدامی علیه این سازمان جنایتکار انجام نداده است.

توطئه گران بر ضد انقلاب افغانستان اعتراف کردند

یک آمریکایی و یک استرالیایی، که بعلت توطئه علیه انقلاب افغانستان در این کشور بازداشت شده بودند، پس از آنکه به اقدامهای ضد انقلابی خود کاملاً اعتراف کردند، رسماً تقاضای عفو نمودند و آزاد شدند. این دو نفر همچنین اسناد زیادی در مورد توطئه های خارجی علیه افغانستان را به مقامهای این کشور تسلیم کردند.

دبیر کل حزب کمونیست سری لانکا توطئه های آمریکا و چین را علیه افغانستان محکوم کرد

دبیر کل حزب کمونیست سری لانکا در کنفرانس حزب کمونیست این کشور توطئه های آمریکا و چین را علیه افغانستان شدیداً محکوم کرد. دبیر کل حزب کمونیست سری لانکا خواهان برچیده شدن پایگاه های خارجی در قیافا نوس شدند. دبیر کل حزب کمونیست سری لانکا گفت که، آمریکا و چین از خاک پاکستان برای توطئه علیه افغانستان استفاده می کنند.

همکاری حزب کمونیست بلغارستان و جبهه آزادیبخش ساندی نیست

سخنرانکرات هیات بلند پایه دولت انقلابی نیکاراگوئه با رهبران بلغارستان در سرفیه پایتخت یافت و دو کشور چندموافقت نامه در مورد همکاری حزب کمونیست بلغارستان و جبهه آزادیبخش ساندی نیست امضا کردند. هیات نمایندگی نیکاراگوئه قبلاً از اتحاد شوروی نیز دیدن کرده و موافقت نامه های مشابهی در این کشور به امضا رسانده بود.

کشاورزان پرتقال برای دفاع از اصلاحات ارضی انجام شده به مبارزه برخاسته اند

کشاورزان و کارگران کشاورزی پرتقال مبارزه وسیع را برای حفظ و تحکیم اصلاحات ارضی انجام شده در کشور آغاز کرده اند. دولت راست گرای کارنیو تصمیم گرفته است این دستاوردها را بپا دهنده و پارادیکس لکان بزرگ را به روستاها بازگرداند. در جریان تظاهرات وسیع کشاورزان در ایالت آلنوزو، یک کشاورز بر اثر حمله پلیس مجروح شد. مدافعان اعلام کرده اند که اجازه نخواهند داد یکی از مهمترین دستاوردهای انقلاب پرتقال، یعنی اصلاحات ارضی بوسیله دولت دست راستی کشور نابود شود. قراست تظاهرات بزرگی در پرتقال برگزار شود. حزب کمونیست پرتقال اعلام کرده است از خواستهای بر حق کشاورزان کاملاً حمایت می کند.

چپ روها و...

دفعاتان داده نشده و بنا بر این آنها در زمهره خرمد بورژوازی حساب نیامده اند. تا اینجا ما با یک تصور تئوریک روبرو هستیم که بنوع خود میتواند در صحنه سیاسی به نتایج اسفناکی منتهی شود. اما اشکال کار فقط در اینجا نیست، در نحوه تقسیم بندی کارمندان و متخصصین به اقشار سرمایه داری یا اقشار خرمد بورژوازی نیز هست. توجه بفرمائید: «پزشکان جوان و متخصص ندیده، تکنیسین ها و متخصصان بهداشتی و پزشکی، دندانپزشکان و ده یائین که مشتریان قابل توجهی ندارند، بسیاری از مهندسان که تخصصشان آنها را تبدیل به سرمایه داران کرده است، بسیاری از فرهنگیان بالادست، کارمندان متوسط و حتی دربارهای مواد بالای ادارات و شرکت های مختلف را میتوان تحت این عنوان (خرمد بورژوازی جدید) طبقه بندی کرد.» (فاشیسم، کابوس یا واقعیت، جزوه ۱، ص ۲۰) یوزخند میزباید؛ حق با شماست. این مارکسیسم نیست، ریشخند مارکسیسم است. این بهتانی است به علم، وگرنه چگونه میتوان داشتن تخصص را ملاک قرار گرفتن در یک طبقه اجتماعی و نه داشتن آنرا دلیل واقع شدن در طبقه دیگر دانست؟ چگونه میتوان مدعی شد که مهندس عادی خرمد بورژوازی است، اما متخصص اوراتیدیل

در جهان سوسیالیسم چه میگذرد

رشد تعاونی های کشاورزی در کوبا

در سال گذشته اشکال جدید و عالی تری از سازمانهای تولیدی در کشاورزی کوبا پدید آمد. تا اویل دیمه ۱۳۵۸، نزدیک به بیست هزار دهقان ۸۳۲ بنگاه تعاونی تولید کشاورزی عضویت داشتند. بدین ترتیب اکنون بیش از صد و پنجاه هزار هکتار زمین کشاورزی در اختیار شرکت های تعاونی است. کوبایی ها بدینسان رهنمودهای نخستین کنفرانس حزب کمونیست کوبا را درباره گذار کاملاً به تولید تعاونی در سراسر کشاورزی کشور با موفقیت پیگیری میکنند. بیدایش شرکت های تعاونی، بویژه پس از کنفرانس پنجم دهقانی در بهار ۱۳۵۶ دامن گرفت. بسیاری از روستای این شهرستان در کشاورزی، آلمان دگر آتیک و بلوگرتان دوره های آموزشی دیده اند. دولت کوبا از هیچگونه کمک، از جمله تراکتور و دیگر ماشینهای کشاورزی، کود و اعتبار به تعاونی ها دریغ نمیزد.

افزایش نوزادان در چکسلواکی

چکسلواکی از نظر شماره نوزادان یکی از کشورهای درجه اول اروپاست. جمعیت این کشور هر ساله از این طریق سدهزار نفر افزوده میشود. افزایش جمعیت بویژه در اسلواکیای خاوری و مرکزی، که قبلاً مناطق بسیار عقب مانده ای بود و در سالهای پیش دارای صنایع پیشرفته شده اند، چشمگیر است. علل اصلی افزایش نوزادان سیاست اجتماعی حزب کمونیست چکسلواکی و دولت آن کشور است، که آینده ای رفاه و مطمئن را برای نوسورندان چکسلواکی پدید می آورد. اعطای امتیازات بدون بهره به زنان و شوهران جوان، کمک هزینه ساختن خانه ها، به خانواده های پر فرزند، مرخصی های طولانی برای مادران، ساختمان شیرخوارگاه ها و کودکان های متعدد و مدرن از جمله اقداماتی است که شوق افزایش شماره نوزادان بوده است. میانگین سن مردم چکسلواکی، که در سال ۱۳۴۹، ۲۹٫۶ سال بود در سال ۱۳۵۸ به ۲۰٫۲۷ سال افزایش یافت. جمعیت چکسلواکی در اادی ۱۳۵۸ ۱۵٫۲۸ میلیون نفر بود. آمارگران انتظار دارند که در سال ۱۳۶۹ به ۱۶ میلیونین شهروند چکسلواکی خوش آمد بگویند.

نام نویسی در حزب توده ایران

کارگران و زحمتکشان هوادار حزب توده ایران که مایلند در حزب ثبت نام کنند، ولی در ایام هفته فرصت ابتکار را ندارند، می توانند روزهای جمعه از ساعت ۱۱ تا ۱۳ صبح و از ۲ تا ۴ بعد از ظهر به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده همراه داشته باشند.

توجه!

جلسات «پروش و پاسخ»، ساعت ۵ تا ۳ بعد از ظهر در دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران تشکیل میشود.

کاخ بیدار بیدار بیدار

خانم حزب بیدار بیدار

رفقای حزبی، هواداران، دوستان حزب و هموطنان! ما میخواهیم همراه شما و به کمک شما جشن چهلین سالگرد تأسیس حزب توده ایران را در خانه حزب برگزار کنیم. برای خریدن و ساختن خانه حزب به کمک مالی شما نیازمندیم. با کمک خود در این جنبش همبستگی و خلقی شرکت کنید. کمک مالی خود را به نام رضا شاکوکی، شماره بانکی ۸۲۸، بانک تهران، شعبه ایران شهر شمالی بپردازید.

توجه: (۱) پرداخت پول، یا ذکر مشخصات فوق، به تمام شعبه های بانک تهران ممکن است. (۲) از کمک کنندگان خواهشمندیم فتوکپی فیش بانکی را به آدرس دبیرخانه کمیته مرکزی: تهران، خیابان آذر، شماره ۶۸ ارسال دارند.

- دختر یک کارگر توده ای می نویسد:
 - همین دختر یک کارگر توده ای هستم. همین افتخار برایم بس. می گویم که خود برای حزب محبوبم عضو شایسته گردم. به ندای حزب برای ساختن خانه حزب پرافتخارم، پول لباس عیدم را که مبلغ ۳۰۰۰ ریال میباشد، تقدیم می کنم. ضمناً مبلغ ۵۰۰ ریال هم مادرم جهت خانه حزب تقدیم میدارد. دوستدار همبستگی حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران س. پ.
- | | |
|---|------------|
| محمود احمدی | ۵۰۰۰۰ ریال |
| واحد حزبی در ماهشهر | ۳۰۰۰۰ |
| کاوه از رشت | ۴۶۰۰ |
| ژینوس واسی از دانشگاه آزاد ایران - اسفهان | ۵۰۰۰ |
| آرش کوچولو | ۲۰۰۰ |

- یکی از هواداران حزب توده ایران دشمن کرد یک نسخه نامه مردما برای کمک به ساختن خانه حزب به مبلغ ۵۰۰ ریال خرید و گفت: «دلم میخواهد حداقل پول یک آجر از ساختمان حزب خودم را داده باشم و در حد توانائی در ساختمان خانه حزب خود را سهم بدهم.»
- افرا، افزون، آرش نوشته اند: «ما بوسیله نمایشگاهی که از آثار نقاشی خود که در منزل تربیت داده ایم، مقداری پول (۲۳۹۶ ریال) جمع کرده ایم که به حزب تقدیم می داریم. این نمایشگاه از آثار افرا، ۷ ساله - افزون، ۱۰ ساله و آرش، ۱۲ ساله تشکیل شده است.»

اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی، بر این میدانند، وقتی قرار باشد اعتبار تعیین طبقات، در آمد افراد و گروه های اجتماعی باشد، مرتدانی نظیر «میلوان جیلاس» و دیگر ایدئولوگ های بورژوازی امپریالیستی فرست میبندند تا با قیافه های حق به جانب و لیخند شرارت بر لب ادعا کنند، طبقه ممتاز جدیدی در جوامع سوسیالیستی پدید آمده است. این طبقه ممتاز، نوعی بورژوازی جدید است که مستقیم مشخصاتش داشتن حقوق و مزایا و درآمد بیشتر است و تا گفته پیداست که این بورژوازی اختراعی نوع جدید، با آن بورژوازی که مارکسیسم میبشاند، از بین وین فرق داد. در مارکسیسم، بورژوازی طبقه اجتماعی مالک وسایل تولید است، که به این موقیعت، حاکمیت سیاسی جامعه سرمایه داری را نیز قبضه میکند. او نیروی کار و و لئاریا را میخرد تا اضافه ارزش حاصل از کار او را بر بارید. اما بورژوازی نوع جدید، مخلوق دیگری است. صاحب وسایل تولید نیست، تنها درآمدش بیشتر است و از آنجا که هر چه جامعه سوسیالیستی جلوتر میرود، زندگی مردم بهتر میشود، تعداد اینگونه بورژواها نیز در حال افزایش است. ما ثویستها، با خمیری که «جیلاس» ها و اسلاف او ساخته اند، برای سرفه آنتی کمونیستها نان میپزند: «در اتحاد شوروی تا زمان در گذشت استالین دیگر سیستم حقوقی عالی برای پارهای

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

سرگذشت توده‌ای

گاهواره‌ام دست انداز پینه‌ها بود.
تیر و کمان کودکی‌ام را
در برج‌های کبوتر شکستم
تا آشیان عقابان آهنین بکشایم.
چرم چروکین چهر پدرم
پافزارم بود،
به تولای فریاد و تیرای سکوت
پاشنه کشیدم.
طره معطر رویاها
کمندم بود،
از گم حصار آسیاها
فرود آمدم.
در چشمم قوزه پنبه بود و
دستم نشان خوشه گندم داشت.
بانشای رنج
در شالی شهر بندان به گل زدم
خالی آنانم را
تا ستاره بچینم!

گاو آهن سرمایه
پرنیان دشت کار را شیار می‌زد.
آژدهای عطش جباران
بورستری از خون و خاموشی یله داده بود.
عصب آتشک میهن‌ام
با خون زمین و فرمان زرادخانه وحشت
می‌رفت،
از تنور آتشی که در دل شب بود
گرم شدم.
رودبار غارت
موج غم به ساحل ملال میکوبید،
در ریشه‌های باستانی زحمت
چنگ زدم
از تالاب‌ها گذشتم و ماندم!

در من آتشی زیانه می‌کشید.
سنگر دودین واژه‌ها
ملحقه چروکین درد را درمان نبود.
دستی در من دری گشود.
در سرم پیر زال تنی بود
که غوره خشم مویز می‌کرد.
کفش‌های کودکان
در ماتم خیابان‌ها
از گرمای پاها دست می‌شستند
می‌خواستیم پای عجز بر کبود کمر گاه زمین
غمگانه نمائد.
در فروغ فردایم فرشته‌ای بود،
بااطلسی قلبش شوقی
تانه زلف زمستان
که گیسوان زمین را بافه بافه بپافد.
از نیای خویش نشان داشتیم:
ترازو را تراز ندیدیم
توده‌ای شدم!

جهان بخش

نامه مردم
آنگاه مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی

خیابان ۱۶ آذرشاه ۶۸
تلفن: ۹۳۵۷۲۸-۹۳۳۳۵۹
چاب، کویان

MARDOM
No. 198
28 March 1980

Price:
West - Germany 0.80 DM
France 2 fr
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 fr.
Italy 350 L.
USA 50 Cts.
Sweden 1.50 Skr.

انتشارات
حزب توده ایران

منتشر شد

نخستین
صد شماره
نامه
«مردم»
(دوره هفتم از شماره ۱۰۰ تا ۱۰۰۰)
در یک مجموعه
جلد شده

شوخی نیست...

یک بار دیگر مسیح...

خوب شد که مردم در دین قرن عجیب، باردیگر شاهد مسیح دیگر شدیم. البته این جنب مسیح از سالهای دور معرف حضور ما ایرانیها بود، ولی متأسفانه ماملت بی‌استعداد متوجه نشده بودیم ایشان مسیح هستند، تا اینکه خواهر محترمه ایشان، که در جهان بعنوان «جسمه عفت» شهرت دارند، مارا از خواب غفلت بیدار کردند و به شبکه تلویزیونی ای.بی.سی آمریکا فرمودند: «اگر مسیح دیگری وجود داشته باشد، مسلماً برادر من است، زیرا او آتقدر خوب، درستکار و باشرف است که هیچگاه نمی‌تواند کسی را رنجاند. محمدرضا پهلوی زندگی‌اش را وقف ایران کرد. اوقیرترین شاه جهان است.»

مایا بد خدمت بانو شرف عقیقه‌تیا عرض کنیم که ملت ایران بعد از فرمایشات ایشان از خواب غفلت بیدار شده‌اند و همگی عزت گرفته‌اند که جراد براره «مسیح دیگر» دچار خطب شده و در ایشان را گرفته و بیرون انداخته‌اند، و حالا هر چه بیشتر براسرار خود افزوده‌اند که «فقیرترین شاه جهان» به وطن بازگردد، اما چه کنیم که اسرار ما بیفایده است و جنب مسیح قرن ما از ترس چوپه‌دار، بیل خودش قصد بازگشت بوطن را ندارد.

ای ملت یاغی...

حضرت جرج بوش، رئیس پیشین سازمان اطلاعات آمریکا، که همان مسیاه باشد، اظهار لجه فرموده‌اند که: «ملت ایران یاغی است و دانشجویان مسلمان یرو خط امام تروریست هستند»

متأسفانه از نظر رئیس پیشین مسیاه ملت ایران قصد دارد به یاغیگری ادامه دهد، یعنی می‌خواهد تمام منابع ثروت خود را که تا بحال مال آمریکا بود، در اختیار خود بگیرد. دانشجویان مسلمان بی‌رو خط امام هم قصد دارند به اعمال تروریستی خود ادامه دهند و جلوی فعالیت جاسوسخانه آمریکا را بگیرند. چه میشود کرد، ملت ایران با تعریف مسیاه از یاغیگری و تروریسم موافق نیست!

جهان از نگاه امپریالیستی

روز ۶ فروردینماه سال ۱۳۵۸، وسایل رسمی ارتباط جمعی ایران همچنان از نگاه خیرگزارانه‌های امپریالیستی جهان رادیدند. در سه بخش خبری رادیو و تلویزیون ایران همه اخبار از قول منابع امپریالیستی ذکر شد، بجز از ۳ خبر، که منبع دوخبر آن‌خبرگزاری پارس بود و منبع یک خبر خیرگزارانه، در این روزخبرگزاری فرانسه رکورددار تسخیر وسایل ارتباط جمعی رسمی ایران بود. جدول زیر این واقیبت را نشان میدهد:

نام خبرگزاری	ساعت ۱۳	ساعت ۲۱
فرانسه	۸ خبر	۱ خبر
آسوشیتدپرس	۶	۱
رویتر	۲	-
یونایتدپرس	۲	-
فرانسه به نقل از تاس	۱	-
پارس	۲	-
تاس	-	۱ خبر
سنکروی و مجاهدین	-	-
انقلاب اسلامی افغانستان	-	۳
واشنگتن پست	-	۳
نیویورک تایمز	-	۱
گاردین	-	۱
رادیو لوندن	-	۱

کارت پستال‌های آمریکائی برای آزادی گروگانها

امپریالیست‌های آمریکائی و وابستگان آنها اخیراً برای آزادی گروگان‌های آمریکائی دست به ترفند جدیدی زدند. آنها تعداد زیادی کارت پستال مزین (۱) به پرچم آمریکا چاپ کرده و در زیر پرچم نوشته‌اند: گروگان‌ها را آزاد کنید.
این کافذه‌ای پستی، که ظاهراً در ایران چاپ شده، به همه مدارس، دانشگاه‌ها، ادارها و اماکن خصوصی و دولتی پست شده است!



فروش کالا به کارگران شهرداری تهران از طریق شرکت تعاونی مصرف کارمندان شهرداری

دبیر شورای مدیریت دفتر روابط عمومی شهرداری تهران در پاسخ‌خبر «نامه مردم» در شماره ۱۴۴ مورخ ۵۸/۱۰/۲۶، تحت عنوان «تعاونی مصرف شهرداری و کارگران» طی نامه‌ای اعلام داشته است:

شرکت تعاونی مصرف کارمندان شهرداری از ماههای قبل به کارگران شهرداری تهران کالای فروش و هیچ ممانی در این جهت بوجود نیآورده است و اخیراً نیز بطور رسمی نام شرکت تعاونی مصرف کارمندان، را به «شرکت تعاونی مصرف کارکنان» تغییر یافته است. نامه مردم - ما ضمن ابراز خوشحالی از این موضوع، امیدواریم که پس از انقلاب شهرداری‌های ملیتی و خلقی مردم ایران، دیگری هیچگونه تبعیض از این نوع وجود نداشته باشد.

از نامه مجاهدین خلق به امام خمینی: توطئه امپریالیسم آمریکا و بختیار خان برای فعالیت‌های ضدانقلاب

شاه خائن با اشاره و صوابدید اردبان امریکائی خود راهی قلب منطقه شده است تا در مرکز نقل ساواکیها و در زخمان فراری زیر چتر امنیتی و نظامی سادات و اسرائیل کماکان توطئه بر علیه انقلاب ایران را از نزدیک ادامه دهد. در همین دلیل نیز آنها در مدت اقامت‌اش در دبیرستان بر ضد آمدن ل فرود فرود ملی ایران از هیچ‌گونه شایعه‌پردازی‌ها با قنداشتهند. همچنین در این ایام نوکر سرسپرده دیگر امریکا، یعنی بختیار خیانکار، به فعالیت‌های بی‌سابقه‌ای در اروا دست زده و مرادات و مسراجعات پشاپار پیدا کرده است. قبل از این نیز شاهد بودیم که امریکا همزمان با فتل و انفعالات شدید نظامی در منطقه تلاش نوسود تسادرسوت کنفرانس پاکستان سران ارتجاعی وابسته به خودش در منطقه را از موج احساسات ضد استعماری امریکائی که تحت رهبری شما در منطقه برانگیخته شده بود، مصون دارد، چرا که امریکا برغم متعلق خدشه پذیر خلفا و تاریخ جهان گمان این داشته و دارد که اکتار عمومی کشورهای تحت سلطه را تا آنجا که متعوانند دشمن اسلیشان منحرف سازد. حال اینکه شما بارها بارها تا کید فرموده‌اید که امریکا این شیطان بزرگ جهان دشمن اصلی است و کلیه روابط و پیوند های استعماری، اقتصادی و سیاسی و نظامی و فرهنگی بایستی با آن قطع گردد.

متأسفانه تا این تاریخ منوبات ضد امپریالیستی شما مبنی بر قطع تمام پیوندهای استعماری چنانکه باید اجرا نشده و علیهذا برای همه مسلمانان انقلابی ایران در رابطه با آنچه فوق‌العرض شایع است نگرانی است.

(کیهان، ۶ فروردین)

منتشر شد
هنوز مشی چریکی
جدا از توده
(مروری در بویه‌گاههای سازمان چریک‌های فدائیی خلق و گروه راه کارگر)

منتشر شد
رفقا
رومان ادبی)
تالیف ای. متر
ترجمه شهید
سیاسی اجتماعی

حوادث اندیشک زنگ خطر جدید

حوادث خونین اندیشک، که در آخرین روزهای سال ۱۳۵۸ روی داد، نتیجه مستقیم نارسایی‌ها و ناتوانی مسئولین محل در رفع مشکلات و سوءاستفاده عوامل ضدانقلاب از شرایط زندگی مردم بود.

بر اساس اطلاع رسیده، روز ۲۵ اسفند سال گذشته، بیکران اندیشک توسط کانون بیکران این شهر به شرکت در یک تحصن فراخوانده شدند. دلیل این تحصن عدم پرداخت وام‌های بیکاری بود که بهشدار اندیشک قیلا برداخت آنها را وعده داده بود. در ضمن تحصن کسانی که رهبری جریان را برعهده داشتند، سخنانی ایراد کردند و ظاهراً از متحصنین خواستند که از ایجاد جو نا آرام و رخنه محریکین در صفوف خود جلوگیری کنند، ولی متحصنین با پهنن درهای اداره راه آهن به روی کارمندان و جلوگیری از خروج آنها علا باعث تشنج اوضاع شدند.

بعد از این جریان، بیکران به طرف بازدار روز اندیشک راهبمائی کردند و درگیری بین یکی از بیکران و بازاریان به بر خورد خنوت آمیز بیکران و بازاریان انجامید.

در این هنگام سپاه پاسداران اندیشک وارد عمل شد و تعدادی از بیکران را دستگیر کرد. دستگیری این عده منجر به گسترش درگیری و در نتیجه تیراندازی پاسداران گردید. با بردن بیکران دستگیر شده به مقر سپاه پاسداران، گروهی از مردم و بقیه بیکران در مقابل این سپاه گرد آمدند و با دادن شماره‌های «مرگ بر سازشکار» «مرگ بر امریکا»، خواستار آزادی بیکران توقیف شده گردیدند.

در این هنگام یکی از روحانی نمایان اندیشک کدر جریان انقلاب نقش نداشته، ولی پس از انقلاب برای مدتی جزء مسئولین کمیته انقلابی شهر اندیشک بوده است، از بلندکوی یکی از مساجد مردم را به مسجد علیه «بیکران و کفار» دعوت کرد؛ در نتیجه عده دیگری از مردم، به همراه بازاریان و به پشتیبانی از پاسداران، وارد عمل شدند. یکی از عوامل بسیج این افراد، شخصی به نام شیمان کلاروند بود، که عده‌ای از مردم را به سنگ و چماق و تفنگ ساچمه‌ای مسلح کرده و با دادن شماره‌های «مرگ بر کمونیست»، «مرگ بر خرابکار» و گروه مردم را در برابر مردم قرار داد.

پاسداران برای برقراری آرامش و متفرق کردن مردم مجدداً مبادرت به تیراندازی کردند، که نتیجه آن وخیم تر شدن اوضاع و شدت گرفتن زدو خورد بود. اندکی بعد، عده‌ای از پاسداران دزفول نیز به پاسداران اندیشک ملحق شدند و به این ترتیب درگیری خونین شکلی کما لاجدی به خود گرفت. شدت این درگیری به جندی بود که در همان ساعات اولیه بر خورد ده‌ها تن مجروح و چند تن کشته شدند.

درگیری اندیشک روز ۲۶ اسفند نیز ادامه یافت و در این روز نیز تعداد زیادی مجروح و کشته به جای گذاشت. بالاخره عده‌ای از مردم روز ۲۷ اسفند در راه آذرین اندیشک متحصن شدند و خواستار استقلال اندیشک به صورت شهرستان، محاکمه مسببین حوادث این شهر و شخص فرماندار دزفول، کار برای بیکران، آزادی کلیه دستگیر شدگان حوادث اندیشک و محکوم کردن رادیو تلویزیون به خاطر سانسور خبرهای درگیری، شدند.

زمینه اصلی این درگیری را باید عمدتاً در بیکاری گروه‌های وسیع زحمتکشان شهروستا، گرانی و بالا بودن هزینه زندگی، وعده‌های بدون نتیجه مسئولین شهری، دادن شماره‌های انحرافی از جانب برخی سازمانها و گروه‌ها، انصارطلبی و قدرت‌نمایی فرماندار دزفول و مسئول سپاه پاسداران دزفول، تحریکات مرتجعین محلی و بطور کلی ناتوانی دولت در بن‌نامه‌ریزی جهت ایجاد کار و کنترل قیمت‌ها جستجو کرد. علاوه بر این‌ها نقش عوامل ضدانقلاب، قاچاقچیان و فرست‌طلبان نیز نباید نادیده گرفته شود.

بهر جهت، حوادث اندیشک زنگ خطر دیگری است که باید بزرگتر در کشور به صدا درمی‌آید. بر مقامات دولتی است که هر چه زودتر زمینه‌های ناراضی را از بین ببرند و اجازه ندهند که این حوادث نامطلوب تکرار شود.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دزفول هم که تاکنون عمدتاً درست عمل کرده و تاکنون در توزیع زمین، معادله اموال ضدانقلابیون و اعداهای انقلابی، مبارزه با قاچاق اسلحه و خرابکاری در منطقه بطور فعال شرکت داشته و اخیراً یکی از قاچاقچیان اسلحه به نام شیخ‌مقوب را، که در ارتباط با عوامل یعنی عراق بوده، دستگیر کرده است، متأسفانه در این ماجرا بر خورد شتابزده و نادرستی داشته است.

تلیغات امپریالیستی علیه افغانستان بخاطر اصالت
ضد امپریالیستی و ضد نفوذالی انقلاب افغانستان است
محمد رحیم رفعت عضو کمیسیون مربوط به روابط خارجی
کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان گفت که تلیغات
غرب علیه افغانستان بخاطر اصالت ضد امپریالیستی و ضد نفوذالی
این انقلاب است. محمد رحیم رفعت گفت که بخاطر این اصالت
هیاهوی دستگاه‌های تلیغاتی غرب و چین علیه افغانستان برای افشاء
است. مقام برجسته افغانی اضافه کرد که افغانستان مخالف صدور
انقلاب است، اما به هیچ وجه صدور ضد انقلاب را نیز اجازه نمیدهد
و توطئه‌ها را درهم میکشد. محمد رحیم رفعت اضافه کرد که تلیغات
غربی چون مسخره و بر اساس است، به این جهت دیر یا زود افشاء
میشود و هم اکنون افشاء شده است.

مسائل معاصر
آسیا و آفریقا
تالیف دانشمند بزرگ
رومان ادبی)
تالیف ای. متر
ترجمه شهید
سیاسی اجتماعی

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا
تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود